

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۲۴ صفحه

۷۹

پیکار

سال دوم - دوشنبه ۱۲ آبان ۱۳۵۹ بها ۲۵ ریال

دار صفحات دیگر این شماره:

- نگاهی به جنبش کمونیستی در عراق و خیانت رویونیستها (۲) صفحه ۱۷
- در چین ر ویزونیستی چه میگذرد؟ (۳) صفحه ۱۰
- مصاحبه با رفقا حسین رو حانی و تراب حق شناس پیرامون تماس با آیت الله خمینی در نجف طی سالهای ۴۹ تا ۵۳ (۸) صفحه ۱۵
- با چشم باز در افق خونین کردستان - خاطرات یک سرباز (۱۰) صفحه ۶
- یاسخ به نامه ها صفحه ۱۸

وظایف عملی مادر قبایل آوارگان جنگ

با او حکری جنگ ارتعاسی ایران و عراق و سندی حملات طوفین در کبیر جنگ به شهرها، مخصوصاً مناطق نزدیک به مرز که خانه خرابی و هلاک عده زیادی از نوده های این مناطق را در پی داشته، خیلی از شهرها از جمله هواز، آبادان، خرمشهر و... عمدتاً از جمعیت خالی شده و مردم بی دفاع این شهرها که از آنرا در مخرب جنگ بسوده آمده بودند مجبور به کوچ به شهرهای امن تر از جمله شیراز، مسجد سلیمان را بهرگز... کردند.

بقعه در صفحه ۱۳

در کرم ما کرم جنگ غیر عادلانه کنونی رژیم جمهوری اسلامی ۳ پیکارگر دلیر را در خوزستان تیرباران کرد

★ پیکارگر شهید محمد اشرفی، نفیگر کمونیست، جرم: هوادار سازمان پیکار
★ پیکارگر شهید منوچهر نیک اندام معلم کمونیست، جرم: هوادار سازمان پیکار
★ پیکارگر شهید شکرالله دانشیار، جرم: کمک به جنگزدگان و مسئول چادر اندام هواداران پیکار

صفحه ۷

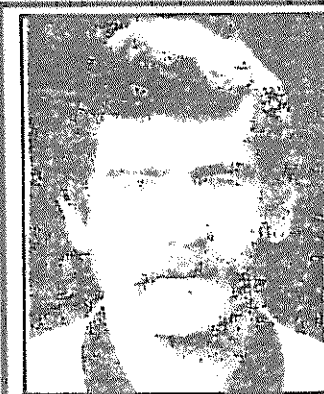


سر مقاله

آزادی گروگانها: آغاز ماه عسل روابط ایران و آمریکا

رورسزدهم آبان سالروز واقعه سفارت آباد، درست یکال ارایس واقعه میگذرد، واقعه ای که طی آن ۵۲ جاسوس آمریکایی به گروگان گرفتند. رورسزدهم جمهوری اسلامی و بزرگ جناح خود بورژوازی آن کوشیدند تا در مابین این اقدامات اصطلاح مداخله ایستی برسود نمودها که در آن زمان به سرعت روندا طول بود با فراید. و از این طریق با نه های قدرت خود را خرجه بیسرشتیت نماید. واقعه سفارت که خود دنیا نکر تضادهای درونی دو جناح ارضیات حاکمه را یکسو و تضاد بین خسرده بورژوازی هیات حاکمه (جبهه در درون حزب وجه خارج از آن) ایستامپریالیسم آمریکا بقعه در صفحه ۲

پرسشنامه مبارزات کازگری



گرامی باد
یاد پیشمرکه
شهید
رفیق تیمور
حسینیانی

صفحه ۵

۱۳ آبان، روز نبرد خونین
دانش آموزان انقلابی
بامزدوران رژیم شاه
گرامی باد

صفحه ۲۲

سیرت امام جنگ
پیکار

جنگ و خیانت رویونیستها

کتابخانه از جنگ
ایران و عراق
سودعی برودا

کودک جانی
در خدمت رژیم
جمهوری اسلامی

گوشه های مختلف جنگ
استگیری هواداران سازمان
بزرگ امپریالیسم آمریکا، دانش اصلی خلیفای ایران

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بقیه از صفحه ۱ سر مقاله...

بود، بمانا به تندپییچی بود که نه تنها توده ها بلکه بسیاری از نیروهای کمونیستی را نیز غافلگیر کرد و آنها را به انحراف کامل از ما رکنسیمویا لغزش از آن دجا نمود، که ما در شماره پیش از آن سخن گفتیم. اما گذشت زمان واقدمات و عملکردهای رژیم جمهوری اسلامی، بتدریج و تا حد زیادی چهره دروغین مبارزه ضد امپریالیستی او را روشن ساخته و برای بخشهای وسیعتری از توده ها معلوم گردید، که رژیم چاکم که در برابر منافع آنها ایستادگی نموده خواستهای آنها را با سرکوب و گلوله پایسخ میدهد، نه میخواهد و نه میخواهدند خدا امپریالیست باشد.

جنگ ایران و عراق، عامل جدیدی بود که

رژیم جمهوری اسلامی توانست در سایه آن یکبار دیگر به توهم توده ها دام بزند و اینگونه وانمود نماید که این جنگ را امپریالیسم آمریکا توسط عراق و با هدف سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی تدارک دیده است. بوقیای تبلیغاتی رژیم بکار افتادند و روز و شب توده ها را به "دفاع از میهن" و "نهادت در راه اسلام" فراخواندند و تشویر جنگ نا عادلانه ای را که گوشت دم توپ آن تنها زحمتکشان دو کشور ایران و عراق بودند اغترو داد اغتر کردند، این جنگ نیز همانند واقعه سفارت نه تنها توده های وسیعی از مردم را دجا رتوهم نمود و آنان را از موضع شرافتمندانهای به دفاع از میهن وادار ساخت، بلکه بخش نا بیگیر جنبش کمونیستی ما را نیز غافلگیر و دچسار انحراف جدی نمود. این تندپییچ دوم در طول یک سال اخیر نه تنها خیانت رویزیونیستها را بیش از گذشته افشا کرد، بلکه خط فاصل میان نیروهای بیگرونا بیگیر جنبش کمونیستی را بیش از هر زمان دیگری پررنگ و آشکار ساخت. اما اگر از واقعه سفارت تا شروع جنگ ایران و عراق نزدیک به یکسال وقت لازم نبود تا توده های وسیعتری بی بهما هیت "خدا امپریالیستی" رژیم جمهوری اسلامی ببرند، اینبار از شروع جنگ ایران و عراق بیش از هفت هفته گذشته است که بطوره "خدا امپریالیست بودن" رژیم سرعست در حال فروریختن است و هر روز که میگذرد، پرده ها بالا میرود و چهره واقعی این رژیم ضد خلقی و پادار سرمایه برای بخشهای وسیعی از مردم روشن میشود و این نیست مگر نتیجه حدت با بی مبارزه طبقاتی و رشد و اعتلا و جنبش توده ای، رونندی که ویژگی دوران کنونیست جامعه ما است.

شروع جنگ ایران و عراق از یکسوز میهنه مناسی بود که بنی مدرولیبیرا لها و بخش کبرابور که بویژه در ارتش دارای قدرت و نفوذ هستند، در مقایسه با حریف خود، حزب جمهوری موقعیست متاسیتری پیدا کرده و با بدست گرفتن مقام ریاست شورای عالی دفاع توسط بنی مدرولیبیرا لها

توجه به نقش و اهمیت که ارتش در شرایط جنگ فعلی دارد، برنا مهوسیا ستیهای خود و از آنجمله بهبود و گسترش روابط ایران و آمریکا را به پیش ببرند، از سوی دیگر عوامی چون برتری نظامی عراق و بیستروی ارتش آن در مناطقی از ایران و ایستکی اقتمادی و بویژه نظامی ایران به آمریکا و در همین رابطه کمیود تجهیزات و وسایل یدکی نظامی و مهمات و مهمات تر از همه عسدم پشتیبانی مردم و بخصوص اهالی مناطق جنگ زده از این جنگ ارتجایی و غیر عادلانه و چشم انداز بحران سیاسی - اقتصادی ناشی از این جنگ که تما ما در رابطه با هیت ضد خلقی هیات حاکمه قرار دارند موجب میشود که علاوه بر لیبرالها و کمپرادورها، جناح بورژوازی حزب جمهوری و حتی برخی از نمایندگان غیر وابسته به این حزب (نظیر خلخالی) نیز زروی سرعت بخشیدن به بهبود و گسترش روابط ایران و آمریکا تکیسه کنند.

در این میان، آزادی گروگانها ی آمیکائی برخلاف آنچه که در پیما دعای آن را دارد، نه نقطه پایانی، بلکه نقطه آغاز این روابط و بمانا به چراغ سبزی است که ایران بعنوان "حسن نیت" از خود نشان میدهد. علائم این حسن نیت از مدتها پیش و بخصوص در سفر نخست وزیر مکتبی و حزبی به سا زمان "دول متحد" کاملاً آشکار بود. رجاتی نخست وزیر حزبی که تا همین جندی پیش (وا مروز هم) از جنا بیات امپریالیسم آمریکا دا سخن میداد و گروگانها را جاسوس و قاتل مسلح محاکمه میدانست، در سفر اخیرش به آمریکا و در محاسبه با خبرنگاران اظهار داشت که آمریکا (یعنی همان شیطان بزرگ) قدم در راه تکامل معنوی گذاشته و آنچه را که آمریکا با بدد رقبالی آزادی گروگانها متعهد شود عملاً پذیرفته و تنها کافی است که بروی کاغذ آورده شود!

خلخالی این نماینده با نفوذ مجلس شورا نیز قبیل از تصمیم گیری نهائی مجلس در باره آزادی گروگانها، در محاسبه خود با خبرگزاری سوئدا اظهار میدارد: "علاوه بر میانبرها و راههای که در طرف بیتی صدر رئیس جمهور ایران هستند نما بندگان دیگری هم خواستار آزادی گروگانها قبل از انتخابات هستند... این اقدام نمایندگان بخاطر کمک به پیروزی کارتر در انتخابات نیست، بلکه بخاطر این است که ایران هم اکنون در نظر دارد، بیشترین سود را از میا دله گروگانها ببرد" (کیهان ۸ آبان ۵۹) خلخالی بلافاصله نه تنها مفهوم بیشترین سود، بلکه با بسادگی و صراحت تمام مضمون اصلی شرایط اضافی بر شرط قبلی را برای آزادی گروگانها بیان میکند. او در دنباله سخنان قبلی خود میگوید: "یک شرط به چهار شرط قبلی برای آزادی

گروگانها افزوده شده و آن ارسال سلاحها و لوازم یدکی است که ایران قبلاً از آمریکا خریداری کرده و در یافت نداشت بود" (همانجا) خلخالی اضافه میکند: "نظر به اینکه شوری به عراق کمک میکنند آمریکا هم با بده ما اسلحه بدهد... جنگ با عراق طولانی میشود و اگر آمریکا به ما سلاحهایی که خریداری کرده بودیم بدهد تعداد زیادی از مردم جان خود را از دست میدهند". (همانجا).

روشن است که موضع رژیم جمهوری اسلامی، آمریکا را بیش از حد خوشحال میکنند و کارتر هم قبلاً موافقت را با این مساله در محاسبه تلویزیونی انتخاباتی خود اعلام داشته بود: "بمحض آزادی گروگانها آمریکا لوازم نظامی که ایران قبلاً سفارش داده بود بدهد این کشور را رسال میدارد". (همانجا)

ضمناً آمریکا با در نظر گرفتن جوانب دیپلماتی این مساله در رابطه با سوسال امپریالیسم روس و جنگ کنونی ایران و عراق و در واقع برای شروع و قنونی جلوه دادن ارسال اسلحه به ایران از زبان سخنگوی وزارت خارجه اش اعلام میکنند که: "احتمال ارسال اسلحه و لوازم یدکی به ایران "بیطرفی" آمریکا را در جنگ ایران و عراق تغییر نمیدهد" (همانجا) در اینجا این نکته را نیز باید اضافه کرد که انتخابات آمریکا اگرچه در تریسع آزادی گروگانها و بهبود و گسترش روابط ایران و آمریکا موثر بوده ولی این بهیچوجه بمعنی تعیین کنندگی آن نبوده و رژیم جمهوری اسلامی با توجه به ما هیتش چاره ای جز حرکت با این سمت نداشت و قبل از آنکه برای رژیم جمهوری اسلامی انتخابات کارتر با ریگان مطرح باشد (که این البته بمعنی ندیده گرفتن جنبه ترجیحی انتخاب کارتر برای رژیم جمهوری اسلامی نیست) مسئله روابط سیاسی و اقتصادی اجتنابنا پذیر رژیم حافظ سرمایه داری وابسته ایران با امپریالیسم امریکاست.

با این ترتیب، آزادی گروگانها، که همه چیز بر قطعیت آن دلالت دارد. اگرچه نقطه پایانی است بر یک دوره بحرانی از روابط ایران و آمریکا، ولی نقطه آغازی است برای یک دوره "شکوفائی" روابط ایران و آمریکا، دوره ای که بنا گزیر رژیم جمهوری اسلامی ایران با بدد بان پامی گذاشت و در آن زندگی و تغذیه میکند.

اما اگر از دوره شکوفائی روابط ایران و آمریکا بمعنی تشدید وابستگی به امپریالیسم امریکا و تشدید فقر و ستم توده ها است، پس باید آنرا همچین نقطه آغاز جدیدی در فروریختن هر چه بیشتر توهم توده ها، تشدید مبارزه طبقاتی و رشد و اعتلا بیشتر جنبش دموکراتیک و ضد

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

جنبش کارگری



پرسشنامه مبارزات کارگری

عدم استقبال کارگران علاءالدین از رفتن به جبهه

روزشنبه ۳ آبان، از طرف شورای کارخانه اطلاعیه‌ای برودید و ارجحاً نده می‌شود مبنی بر اینکه هر کسی که مایل به رفتن به جبهه جنگ است برای اسم نویسی به دفترشورا مراجعه نماید. اما کارگران عمدتاً از این دعوت استقبال نمی‌کنند و از شیفت شب فقط یک نفر از شیفت روز هم تعدادی معدودی نام نویسی میکنند. کارگران اغلب رژیم را مسئول بشیروی نیروهای عراقی میدانند و میگویند: "چرا ما باید به جنگ برویم اما سرمایه داران کارخانه‌ها و ملاحا و بهشتی و رفسنجانی راحت بگردند، کارگران همچنین گرانی سرسام آور اجناس که بعد از جنگ چند برابر شده است، شدیداً ناراحت و عصبانی هستند. آنها میگویند: "باز اینجا که از این جنگ با گران کردن اجناس سود میبرند، چرا به جبهه نمیروند؟" علیرغم تبلیغات فراوان رژیم و علیرغم تمامی عوارضی که پیش درمورد جنگ، کارگران که فضا را شرات جنگ، همچون گرانی را بیش از همه بردوش می‌کشند، ناراضا و بی‌توان از رژیم روز بروز بی‌شتر می‌شود.

رفقا! در رابطه با تمحیح خط مشی، مضمون و شکل "پیکار" که ما از شماره ۷۳ به این طرف، کوشیدیم فعلاً نه در جهت آن اقدام نمائیم و نشیبه را بیکارگان سیاسی - تبلیغی توده‌ای تبدیل نموده و بویژه نقش جنبش کارگری را در آن برجسته نمائیم. اکنون قصد داریم بصورت مرتب، صفحاتی از نشریه را (با توجه به مجموعه محدودیتها و امکانات) به درسیهائی از جنبش کارگری اختصاص دهیم. بی شک بدون رابطه فعال کلیه رفقای بخش کارگری سازمان، امکان برخورد به مسائل کارگری از طرف هیئت تحریریه، محدود می‌شود. ضمن آنکه از طریق تشکیلات، ارتباط با کارگران با بخشهای کارگری سازمان را در نظر داریم. در عین حال می‌کوشیم از طریق خودنشریه نیز ارتباط لازم را با رفقای هوادار که فاقد ارتباط تشکیلاتی هستند را بوجود آوریم.

کارگران گسترش دهیم، از این رو برخورد مداوم، روزمره و در عین حال دقیق رفقا در جمع بندی و ارسال تجارب و گزارشات مبارزه کارگران میتوانند ما را در راه رسیدن به اهدافمان یاری رسانند. تهیه این پرسشنامه در خدمت جهت دادن به فعالیت رفقا در کارخانه‌ها و کمک نمودن به چگونگی جمع بندی رفقا از مبارزات کارگری قرار دارد. ما انتظار داریم رفقا با برخورد فعال نسبت به آن، در غنا بخشیدن به فعالیت "نشریه پیکار" کوشش نمایند!

- ۱- تحلیل زمینه‌های حرکت اعتراضی (هم‌ز نظر اقتصادی و هم‌ز نظر سیاسی)
- ۲- شروع مبارزه (با ذکر تاریخ دقیق):
 - ۱- مبارزه چگونه آغاز شد؟
 - ۲- در موقع شروع مبارزه آیا تمام کارگران با هم در مبارزه شرکت کردند؟ اگر نه در ابتدا چه دردی از کارگران مبارزه را شروع کردند؟
 - ۳- عکس العمل کارگرانی که در ابتدا در مبارزه شرکت نکردند در قبال سقیه چه بود؟
 - ۴- کارگران مبارزه چگونه و به چه وسایلی بقیه کارگران را به مبارزه کشیدند؟ شیوه‌ها و وسایلی که مورد استفاده کارگران برای عمومیت بخشیدن به مبارزه قرار گرفت چه بود؟ (تبلیغ شفاهی، دعوت از زکلیه کارگران و ایراد سخنرانی، بخش اعلامیه و تراکت در سطح وسیع، راه انداختن تظاهرات و راهپیمائی در قسمتها، تهدید و ارباب و...)
 - ۵- شکل حرکت اعتراضی: اعتصاب، کم‌کاری، تحمیل، عریضه نویسی، گروگانگیری، اشغال کارخانه و...
 - ۶- شکل عمومی حرکت اعتراضی در این کارخانه چگونه بوده است و اگر در مقطعی شفیبری رخ داده است به چه علت بوده؟
 - ۷- روحیه کارمندان در حرکت کارگران چه بود؟ تهاجمی و در عین حال منضبط یا آنا رشیستی و یا آرام و...
 - ۸- خواسته‌های اساسی کارگران:
 - ۹- خواسته‌های اقتصادی: افزایش دستمزد، تقلیل ساعت کار، بهبود شرایط کار، انوشیکاری، رفاه و...

- ۳- ساعات کار شب در شرایط جنگی و...
- ۴- خواسته‌های سیاسی: از بین بردن شیروی ویژه، ممنوعیت ورود نیروهای مسلح به کارخانه جلوگیری از اخراج کارگران مبارز، برانداختن محیط خفقان در کارخانه، آزادی کارگران دستگیر شده و...
- ۵- این خواسته‌ها (اقتصادی و سیاسی) تا چه حد مناسب انتخاب شده بودند (با تحلیل مشخص شرایط مشخص):
 - ۱- آیا برای پیشبرد مبارزه، شکل کارگران برای پیشبرد مبارزه: داشتند؟
 - ۲- اگر تشکیلی موجود بود این تشکیلات چگونه بود؟ (چگونگی ماهیت آن، لیبرالی، رادیکال یا...)
 - ۳- نقش تشکیلات در پیشبرد مبارزه چه بوده است؟
 - ۴- اگر تشکیلات در جریان همین مبارزه وجود آمده است در چه مقطعی از مبارزه وجود آن حس شد و ایجا دگر دید؟
 - ۵- نقش "عناصراً گاه" در وجود آوردن تشکیلات چه بوده است؟
 - ۶- آیا ضرورت وجود آوردن تشکیلات عمومی نظیر اتحادیه‌های سرتاسری و... در جریان مبارزه مطرح شد؟
 - ۷- تشکیلات عمومی نظیر اتحادیه‌ها چه نقش احتمالی ای در پیشبرد مبارزه داشتند؟

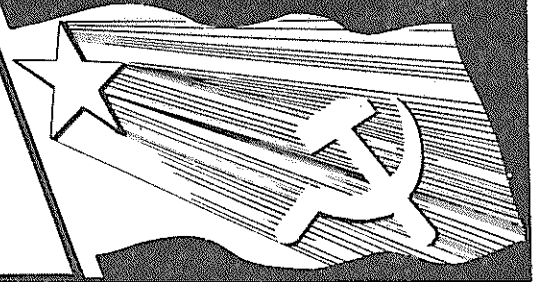
از این رو پرسشنامه‌ای را تهیه کرده ایم که بوسیله پاسخ به سئوالات آن بتوانیم گزارشات و تجارب مبارزات کارگری را بصورت کامل روشن دقیق و همه‌جانبه تهیه و جمع بندی نمائیم. از این پس، رفقا، باید بکوشند در برخورد با مبارزات کارگران نکات مطروحه در پرسشنامه را مورد نظر داشته باشند. و بر اساس آن گزارشات و تجارب مبارزات کارگران را برای ما ارسال نمایند. تا ما بوسیله آن بتوانیم:

- ۱- اولاً - در عرصه مبارزات کارگران در هدايت و ارتقاء مبارزات، جمع بندی علل شکست و پیروزی آن و منعکس نمودن آن برای کارگران فعلاً نه ترکیب کنیم.
- ۲- ثانیاً - بدین ترتیب بتوانیم بصورت عینی در جریان مبارزات کارگری قرار بگیریم و تاکتیکها و تحلیلهای خود را از جنبش کارگری براساس شناخت همه‌جانبه و گسترده تر از وضعیت موجود جنبش کارگری بنا کنیم.
- ۳- ثالثاً - بتوانیم بصورت فعال مبارزه آیدئولوژیک با جریان‌های رژیونیستی و انحرافی را در عرصه مبارزات روزمره طبقه کارگر نیز به بیستی ببریم. و بدین ترتیب محدوده مبارزه آیدئولوژیک را به مقیاس وسیعتری در میان

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

پیکار

وظایف عملی ما در قبال جنبش کارگری و توده‌های



نیازهای توده‌ها، تنها نیازهای اجتماعی نیست، در مقابل هر تحولی که در جامعه ایجاد می‌شود، توده‌ها با بلندوبالا بیدارند، این تغییر جدایی‌ناپذیری در زندگی آنان بجای می‌گذارد و با بیدار شدن که چه واکنشی نسبت به این تغییر و تحول داشته باشند. لکن بدرستی تا کید میکند که بدون یک تبلیغ کمونیستی حول باسح صحیح به مسائل توده‌ها (اقتصادی، سیاسی، نظامی) نمی‌توان کارگران را بسوی کمونیسم کشید. لکن برای آموزش کارگران راه دیگری نمی‌شناسد بجز باسح به همان مسائل جاری توده‌ها: "برای اینکه کارگران بتوانند سوسال دیگران را بیدار کنند، با طبیعت اجتماعی و سیاسی آنها و هم‌فکران، دانشجویان و لک‌روران روشن در نظر خود محسوم کنند... بتوانند توده‌ها را بیدار کنند که گدا می‌کند، سوسال و فوآن فلان یا بیهمان منافع را منعکس می‌کند و توده‌ها را چگونه متعکس می‌کند، ولی این تصور روشن را از هیچ کتابی نمی‌توان دیدست آورد. اینرا فقط منظر توده‌ها و فوآن فلان بدون فوت وقت آنچه‌ها می‌توانند دیدست دهند که در لحظه کنونی در برابر امون مارخ می‌دهند و دریا و دهان همه و هر کس با به سلیقه خود صحبت کند و بسا اینکه فوآن فلان می‌کند و در فلان و فلان واقعاً فلان بیکره و فلان و فلان حکم دادگاه و غیره و غیره منظر هر کس است. این افشاگری‌های همه - جاتیه سیاسی شرط ضروری و اجلی برور ش روح فعالیت انقلابی توده می‌باشد" (۲) (تاکید از ماست)

تبلیغ از دیدگاه مارکسیسم - لنینیسم (۳)

اصل دوم: درك نیازهای توده‌ها (اساسی ترین مسئله توده‌ها چیست؟)

کدینا در سوسال لسم نیازهای اساسی آسان برآورده می‌شود. ما در کنار مسائل برای اسفرار سوسال لسم که منافع اساسی آنها را برآورده می‌کند، با سستی مسائل ریز و درست توده‌ها را در نظر بگیریم، اگر مسائل رزات توده‌ها اقتصادی است، با سستی درجهت باسح به آن برآید، در عین حال که همواره با سستی به نیازهای مرم توده‌ها در زمینه مسائل سیاسی باسح کند. تبلیغ با سستی بگونه‌ای عمل کند که توده‌ها همواره بیدار و روشن و صریح ما در مورد همه مسائل را بشناسند و روی بیاورند، آنها با سستی بدانند که مسائل ما نزرهست و ما بیکاندر جریانی هستیم که به مسائل آنان باسح درستی که منطقی بر منافع تاریخی - طبقاتی آنان نزرهست می‌دهیم.

بین ازلن کختم که انقلاب بنیادین توده‌ها است، اما برای یک انقلاب بیروز مدتها بسند توده‌ها را آماده نمودن تبلیغ ابزاری برای رهبری مبارزه طبقاتی است. در شماره بین کختم با سستی نفس توده‌ها را درست دانست و ارتباط تبلیغ با احساسات توده‌ها را توضیح دادیم، در این شماره فوآن فلان دوم تبلیغ را بررسی می‌کنیم.

همیشه گفتند که با سستی در مسائل رزات توده - ها شرکت جست، آنرا رهبری کرد و ارتقاء داد اما این شرکت در مسائل رزات توده‌ها حول چه مسائلی با بیدارند؟

کمونیستها با سستی همواره نیازمند بهیای توده‌ها را در با سستی و درجهت رفع این نیازمندی - ها بیکوشند. با بیدار عمل به توده‌ها نشان داد که مبارزه با سستی طرأ آنها است و درجهت حل مشکلات آنها، فعالانه می‌کوشیم. آنها با سستی بتدریج در سستی ما عشقی روشنگر نیستیم که کوربا "خیالات عجیب و غریب" در سرداریم، بدین ترتیب آنها با بیدار تمامی اطراف خود را حس کنند و در تمامی دشواریها ما را همراه خود ببینند. توده‌ها با بیدار ما اعتمادا دکنند تا حتی در راه رهنمودهای ما، که درستش میدانند و درجهت منافع خوبی احساس می‌کنند، جان نیز بیازند تبلیغ موظف است همواره مسائل توده‌ها را در نظر داشته و از نیازهای آنها حرکت کند. رفیق ما شود این باره میگوید:

"بخاطر برقراری بسوسال توده‌ها باید در جهت نیازمند بهیای و آرزوهای آنها عمل کرد هر کاریکه برای توده‌ها انجام می‌شود، با بیدار از نیازمند بهیای آنها سرچشمه بگیرد، سستی از تما یلات یک فرد، ولو اینکه این تما یلات خیرخواهانه باشند." (۱)

طبیعی است که نیازهای اساسی و اصلی توده‌ها توسط "سوسال لسم" برآورده می‌شود، اما ماندرست است اگر که به نیازهای روزمره توده‌ها توجه نکنیم و در صدد حل آنها نکوشیم، به این دلیل

*** تبلیغ با سستی بگونه‌ای عمل کند که توده‌ها همواره به پاسخ روشن و صریح ما در مورد همه نیازهایشان روی بیاورند، آنها باید بدانند که مسائلشان، مسائل ما نیز هست و ما بیکانه جریانی هستیم که به مسائل آنان پاسخ درستی که منطبق بر منافع تاریخی - طبقاتی آنان نیز هست، می‌دهیم.**

*** توجه به نیازهای توده‌ها از جنبه حاضر اهمیت است.**

الف - از جنبه کسب اعتماد توده‌ها، نشان دادن پیوستگی مبارزات کمونیستها با مبارزات توده‌ها

ب - از جنبه آموزش توده‌ها

توده‌ها فوراً و در ابتدا، قاشونمندی‌های استعمار را معطوفاتی را درک نمی‌کنند و ضرورت سرنگونی آن را در نمی‌یابند، کار بجز حوصله کمونیستها در این میان ضرورت دارد. کمونیست - ها با سستی از همان مسائل روزمره توده‌ها از پاسخ به همان نیازهای جاری توده‌ها این ضرورت را به توده‌ها نشان دهند توده‌ها، روشنگر نیستند که از خلال مطالعه قانونمندیهای جهان، پی به آن ببرند، با سستی توده‌ها را در جریسان همان مبارزه طبقاتی روزمره آموزش داد و حول همان مسائل مشخص تبلیغ و ترویج کرد، با بیدار از مسائل خاص، برای آموزش توده‌ها استفاده کرد تا معرفت عام بیا ببند بقول لنین:

مارکسیسم - لنینیسم معتقد است که بر آوردن نیاز تاریخی توده‌ها (سوسال لسم) بدون بر آوردن نیازهای روزمره آنان امکان پذیر نیست. کمونیستها برای اینکه بتوانند رهبری مبارزه طبقاتی توده‌ها را درست داشته باشند، با بیدار مسائل رزات هر چند کوچک آنان شرکت کنند. در غیر این صورت توده‌ها در نبرد نهایی با کمونیست - ها همراه نخواهند بود. با بیدار سوسال رزات ضمن مبارزه برای نیازهایشان یعنی هنگام پاسخ دادن به مسائل اقتصادی - سیاسی شان برور ش داد.

توجه به نیازهای توده‌ها از دو جنبه حائز اهمیت است.

الف - از جنبه کسب اعتماد توده‌ها، نشان دادن پیوستگی مبارزات کمونیستها با مبارزات توده‌ها، ب - از جنبه آموزش توده‌ها.

(۱) - ما شوجیه و احدر مور فرهنگي .

(۲) و (۳) - لنین جدا بید کرد .

خلق ها و مسئله ملی



**رژیم جمهوری اسلامی
برای ادامه سرکوب خلق قهرمان کرد،
سربازان حرفه ای اجیر می کند**

آگهی ریز در اطلاعات مجله هم آن ۵۹ به
جای رسیده است :

"سخن ما سربازان را دادی

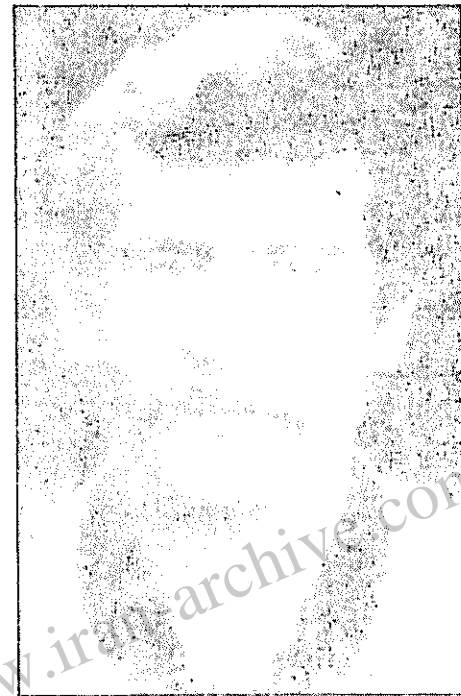
سازم سرکوب ارتش جمهوری اسلامی ایران
دیروز اعلام کرد: لشکر ۲۸ سنج برای
تکمیل کارهای مبارزاتی به ۱۲۹۱ سرباز
احیاء دارد. گمانی کنیده است که مفرار
دادی برای مدت تکمیل در این لشکر
قابل دارند منوط است ..."

سازای بدسویح اضافی است رژیم در کرمان
کریمک ارتجائی و حلیلی بین ایران و عراق
برادار سرکوب و حساب خلق کرد و توانایی
بر دوران سرکوبگرش و سرخا بریدن سربازان
سرای اعزام کرده است و کنار خلق کرد،
بحرین است سخنان سربازان را در گذشته است. رژیم
خای ارتجائی ارتجائی است است است است
سرای ادا مذکور است سرکوب رحمتگان به سرد
برده و خواهد بود. رژیم جمهوری اسلامی از
اعزام سردوران "لژیون خارجی" میرا لیسیم
سرای است است است است است است است است
سربازان طرف است است است است است است است
کسار خلق کنکوو... سخوی درس گرفته است و
سرای مورد خلق قهرمان کرد که از یک طرف
سرای زود خبرها است است است است است است است
از طرف دیگر حقیقت مبارزان برای سربازان
وارتسان با آکا میزروس مستود بطوریکه
بسی بزرگی از آنان دیگر حربه جنگ با خلق
کردند است است است است است است است است
حرفه ای رژیم سز در مقابل کودتای خلق دلاور
کردند و است توانست کاری از پیش ببرند. ■

در نظام ما سادات رفیق نمودند و سادات
بوکان سازمان بگا در راه آزادی خلق
کا رکز، غلامهای استوار دادند که در اینجا
ما تمسکینای از آسرامی آوریم :

گراهی با دیاد پیشمرکه شهید رفیق تیمور حسینیانی

مدنیاست که در خاک سرزمین کردستان لاله
های سرخ در تمام طول سال میروید و در هر
منطقه زکوهها و دشت های آن عطر خود را میسرای کند
دیروز ما نیست که افق در سرزمین کردستان خونی
است و سرخی اس هر لحظه بر رنگر و میدیروز ی
را در دل رحمتگان خلق کردیا روز تر مسازد.
۲۷ میرسی بود که پیشمرکه شهیدان سیدور
حسینیانی در جریان حمله دودسته ارتش سرکوبان
سازمان به مقربا ساداتان و جانبای ضد
خلق در سز بعد از وارد آوردن ضربه مستقیم
پیشمرگان، در حال عقب نشینی موردا ما است
گلوله مرتجعین ضد خلق قرار گرفت و چند لحظه
بعدیها دست رسید. در آن لحظه بدون تک آخریسی
فریادش جز "بیروزیا طبقه کارگر ایران"،
"بیروزیا دجنش مناعت خلق کرد" نبود. او که
قلبش آکنده از مهر به زحمتگان بود خاموش شد، لیکن
خون سرخش درفش سرخ انقلاب دمگرا تیک - صد
امیریا لیستی خلقهای ایران را سرختر نمود.
رفیق تیمور در سال ۱۳۳۳ در یک خانواده
خرده مالک در روستای "فاریان" از روستاهای
بوکان دیده به جهان گشود... در بوکان با
پشتکار و با موفقیت دوران متوسط را گذرانید
بعد از گرفتن دیپلم وارد دانشگاه تبریز شد.
ولی یکسال بعد دانشگاه خود را تغییر داد و
وارد دانشگاه کشاورزی رفا شد... او با
درک ضرورت مبارزه انقلابی برای نابودی ستم
و استعمار وارد برتروده ها، فعالان مبارزان
سیاسی دانشجویی شرکت نمود... در این اوضاع
بود که رفیق تیمور توسط مزدوران سادات
شنا سائی شده و همین باعث شد که بمدت یکسال از
تحصیل محروم شود. اما این امر نتوانست مانع
ادامه مبارزه و نشد بلکه موقعیتی بوجود آورد



با سربازان سرکوب در روستای...
مهم سربازان خود را ادا میدهند...

بعد از تمام رفیق تیمور به همراه رفقای
محلی تشکیل دادند. این محفل در بوکان
آوردن "جمعیت دفاع از زحمتگان و حقوق ملی
خلق کرد" بوکان نقش فعالی داشت. در دوران
بورش اول رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی
کردستان، رفیق در روستاهای اطراف سردست
درسان زحمتگان فعالان به کار آکا هکراسه
مغفول بود. رفیق در تشکیل اتحادیه دانشجویی
در منطقه "سولین" (اطراف سردست) نقش فعال
داشت و مردم را در جنگ با فئودالها و خلق سلاح
کمیته فئودالی "تازه قلعه" (بین سردست -
بیرا شهر) تشکیل نمود، و توانست در این مدت
تجارب ارزنده ای دست آورد، هم چنین رفیق
تیمور در جریان آزاد سازی شهر بوکان از دست
مزدوران رژیم جمهوری اسلامی نقش فعالی
بعده داشت.

رفیق تیمور که عشق به مبارزه در راه طبقه
کارگر و زحمتگان در وجودش شعله ور بود در
جستجوی تشکیلاتی بود که بتواند در این راه
جوابگوی خواستهای مبارزانی باشد.

جشن خونین قربان

به مردم سز چگونه گذشت؟

۵۹/۷/۲۸ دوشنبه - صبح این روز عده ای
از پیشمرگان حزب دمکرات وارد شهر میشوند. و
بعد از گذشتن از قسمتهای مختلف شهر در نزدیکی
پل هوائی کمین میکنند. و در این هنگام یک
ماشین بیوازش ویا سادات از آنجا عبور میکنند و
درگیری بین آنها شروع میشود. در طی درگیری
عده ای از ساداتان و ارتشیان کشته میشوند. (۱).
در این نبرد "موجهرزنگنه" و "جبار دوتن"
از جانبای مزدور کشته میشوند. و عبدالل
مکاریان مشهور به "عنه قاسم" زخمی میشود. بعد
از این درگیری ارتش ویا ساداتان در ژاندا رمی
بقیه در صفحه ۲۱

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

خاطرات يك سرباز (۱۰)

۲۰ اردیبهشت

۱. امروز به صحرای رفیق تیمم صحرای جعفر زیباست. تمام کردستان زیباست، دشتهای سرسبز که دامنهای کوهسارانی استوار هستند. گلهای وحشی بهاری که در معرض نسیم تاب میخورند، بهار زیبای کردستان!

بر روی گندمهای تازه که در صحرای کاستهاند به آموزش نظامی پرداختیم در هر ساعت با سربازان که سربازان بدور هم جمع میشدند چند نفری حرفهای فکرمی زدند. یکی از درجه داران از کروگانگیری ایشان تعریف میکرد و میگفت: وقتی که آنها را گرفتیم آنقدر زدی که دیگر جانی در بدنشان نماند! یک نفر دیگری گفت: اینها مردمی بیگانه و مفت خور هستند، بهما واگفتیم، پس این زمین را که زیر پای ما است چه کسی کاشته است؟ سکوت کرد. من هم سکوت کردم کافی است آنها را بفکر بیندازی، تازه بیاد میآوردند که ویرانی و آوارگی آنهاست و روزی که آنها را میگویند، واقعیت دیگری هست که تنها لازم است آدم گوشها و چشمها را بشوید و بکار ببیند و تنها آنها را در یاد، آخر آنها خودشان هم غالباً از خانه های زحمتکش برخاسته اند و اکنون نیز تحت ستم و تبعیض هستند گندمهای تازه دسترنج دهقانان زحمتکش کرد حاصل دستهای پینه بسته، زیر کمره های مال شده

افسرده به پا دگان برگشته است ۳ بعد از ظهر برای یک سخنرانی جمعمان کردند. آخر همیشه غذای سبزی لازم است تا مغزهای فاسد تربیت شوند! سرگرد سخنران خود را معرفی کرد

با چشم باز
در افق خونین
کردستان

کرد: من عضو اداره سیاسی - ایدئولوژیست (همان آشنیخانه ای که غذای سبزی می پزد) ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران هستم. در ستاد مشترک برای مکتبی کردن ارتش اداره - ای بنا ما اداره (سیاسی - ایدئولوژیست) تشکیل شده است. ما ۱۵ نفر هستیم و در جلسه یاساس داریم. از ما امتحان بعمل آمده است و دوسه ما در آموزش دیده ایم ما در تیمهای دوتنفره به پا دگان - ها میرویم و در آنجا به فعالیتهای تبلیغاتی از قبیل تشکیل کتابخانه، انجمن اسلامی، تشکیل نمازگاه و تربیت سخنرانی، میپردازیم اول سخنرانی را حکمتر کرد و از مبارزه با کفار و دشمنان اسلام سخن گفت... حرفهای پیش امدادی "الله اکبر" قطع میکرد و او همچنین ادا میباید. آیه های قرآن را میخواندند که حکم بر کوبیدن منافقین و از بین بردن کفار، داده اند. آیه ها را با لیتها فراوان قرائت میکرد و سعی داشت لحنش کوبنده یا شکرگشت لبها و دهان با زنی توجه را جلب کرده باشد سرگرد سخنران، ارتش را برای ما اینطور توصیف و دستبندی میکرد:

بقیه در صفحه ۱۶

جوانان نقش مهمی بعهده داشت. آگاهیهایی نسبتاً بالای رفیق، آشنایی او به مسائل و مشکلات روستاییان، و خصلتهای انقلابی اش او را هر چه بیشتر به توده ها نزدیک مینمود. روستاییان زحمتکش روستاهای منطقه کامیاران (کوله ساره، شاهینی، ماویان، افریان، لایسن، نجف آباد، گانی کشته، طه و...) هیچگاه هخاطره فعالیتها و مبارزات رفیق تیمور را از یاد نخواهند برد. همچنین پیشمرگان کامیاران که رفیق نیز در میان آنها بود همیشه بر خوردهای صمیمانه و رفیقا نهانش را با بدخواهند داشت. رفیق تیمور بعد از پنج ماه مبارزه خستگی ناپذیر در روستاهای اطراف کامیاران به بیوکان بازگشت و با بعهده گرفتن مسئولیت دسته ای از پیشمرگان کامیاران (دسته شهید نجم الدین) به همراه توده های زحمتکش به ادا مبارزه بر علیه متجاوزین به حقوق زحمتکش کردستان و سایر خلقهای ایران پرداخت. رفیق آشنی از مبارزه نه ایستاد، تا بدانجا

او با لایحه "سازمان بیگار در راه آزادی طبقه کارگر" را انتخاب نمود و در مقوف پیشمرگه های آن جای گرفت.

بعد از اشغال "کامیاران" توسط نیروهای سرکوبگر رژیم، دسته ای از پیشمرگان کامیاران که رفیق تیمور در آن فعالیت داشت در روستاهای اطراف کامیاران مستقر گردید، رفیق همراه سایر پیشمرگان، در آن نواحی در کنترل جاده کامیاران - سنندج شرکت جست و در جهت روشن نمودن اهداف جنبش مقاومت برای مسافران که از این جاده عبور مینمودند نقش ارزنده ای ایفا نمود. رفیق تیمور در جریان فریادی که پیشمرگان به نیروهای مزدور رژیم جمهوری اسلامی مستقر در کامیاران، فرودگاه سنندج و ستونهای اعزامی از کامیاران به سنندج وارد میکردند فعالانه شرکت نمود. وجسارت و توانایی بسیاری از خود نشان داد. او همچنین در آگاه سازی و تشکیل دهی روستاییان منطقه بخصوص

کدخون با کشران را راه طبقه کارگر و زحمتکشان سراسر ایران کرد.

کرامی با دبا دشهید رفیق تیمور حسنیانی! کرامی با دبا دمه شهدای بخون خفته خلق! بیروز با جنبش مقاومت خلق کسرد در بیوند با مبارزات خلقهای سراسر ایران! برقرار با دخود مختاری خلقها در جمهوری دمکراتیک خلق! سازمان بیگار در راه آزادی طبقه کارگر

۱۳۵۹/۷/۲۰ یوکان

★ ★ ★

در بزرگداشت رفیق تیمور

پس از شهادت رفیق تیمور در ۷/۲۷، پیشمرگان و عده زیادی از مردم جسد شهید تیمور را برای حمل به زادگاهش روستای قازلیان (در نزدیکی یوکان) تا بیل تشییع میکنند. در طول راه شعاری به پشتیبانی از پیشمرگان و جنبش مقاومت داده میشود. سپس انبوه جمعیت با ماشین را هی زادگاه رفیق شده و در آنجا شهید را انقلاب خونین را به خاک میسپارند. در مراسم خاک سپاری رفیق شهید از طرف سازمان بیگار، کومه لیه، دفتر ما موستاشیخ عزالدین حسینی پیام خواننده میشود و مراسم با صحبتهای گرم و صمیمانه پدر شهید خاتمه میابد.

در روز سوم مرگ رفیق شهید در روستای قازلیان زادگاهش مراسم برپا میگردد. در این مراسم پیام سازمان بیگار... و یک قطعه شعر خوانده میشود. در طول مراسم سرودهای ای شهیدان و چند سرود دیگر توسط پیشمرگان و اهالی منطقه خوانده میشود و شعاری به پشتیبانی از جنبش مقاومت داده میشود. در روز ۷/۲۹ بمناسبت یادبود شهادت رفیق تیمور در مسجد بازاریوکان مراسم یادبود به دعوت خانواده شهید برگزار میشود. در این مراسم یکی از پیشمرگان کامیاران بیگار در راه با شهادت شدن کاک تیمور، مختصری از شرح حال مبارزاتی او، جنگ ایران و عراق، مسئله خودمختاری صحبت میکند. در این یادبود پیام سازمان جریکها (اقلیت) خوانده شد.



درود بر تمامی شهدای بخون خفته خلق کرد

در گمراهی جنگ غیر عادلانه کنونی رژیم جمهوری اسلامی ۳ پیکارگر دلیر را در خوزستان قیرباران کرد

★ پیکارگر شهید شکرالله دانشیار، جرم کمک به جنگزدگان و مسئول چادر امداد هواداران پیکار
★ پیکارگر شهید محمد اشرفی، نفتگر کمونیست، جرم: هوادار سازمان پیکار
★ پیکارگر شهید منوچهر نیک اندام معلم کمونیست، جرم: هوادار سازمان پیکار
★ جان رفیق حسنعلی شهبازی کاندیدای مورد حمایت سازمان پیکار در انتخابات مجلس شورای وعدای دیرگزار پیکارگران، در زندانهای رژیم جمهوری اسلامی در خطر است.

مابه خلق قهرمان ایران، در مورد تشدید سرکوب و خفقان و ترور و قیرباران انقلابیون و کمونیستها در گمراهی این جنگ ارتجاعی هشدار میدهم.

میان زحمتکشان آبادان می برداخت، در روز دوم مهرازا در امدادها داران سازمان پیکار دستگیر شد، رفیق به جرم مسئولیت چادر که برای کمک به جنگ زدگان داده شده بود، اسیر و ۲۵ روز تحت شکنجه قرار گرفت و بالاخره در روز ۲۷ مهر توسط دژخیمان جمهوری اسلامی شیراز شد. پیکارگر شهید محمد اشرفی، نفتگر کمونیست و پیکارگر شهید منوچهر نیک اندام معلم کمونیست به اتفاق پیکارگر سیر حسنعلی شهبازی (کاندیدای مورد حمایت سازمان در انتخابات مجلس در آغا جاری) در روز سه شنبه ۲۹ مهر در آغا جاری دستگیر شدند. جرم آنها این بود که در روز قبل اعلامیه های سازمان پیکار در مورد جنگ در سطح وسیعی در شهر پخش شده بود! هنگامی که خواننده های این دلاوران بازن و بیجه برای اعتراض به دستگیری آنان روانه سیاه پاداران میشوند، مورد ضرب و جرح پاداران سرما به فرار میگیرند و بالاخره در روز شنبه سوم

اسلامی "و فریب توده های اندیشداری چنین رژیمی از کمونیستها می ترسد و در این میان در چند ماه اخیر نشان داده است که پیش از پیش از سازمان با وحشت دارد، چرا که ما همراهِ دیگر نیروهای بیکیفر جنبش به توده ها میگوئیم که رژیم در کارها نه با مزارع و در کردستان و ترکمن - صحرا چه بر سر زحمتکشان ما می آورد، در دانشگاه و زندانها با روشنفکران ما چه میکند و در جنگ ارتجاعی کنونی چه اهدافی را دنبال میکند، و روابط واقعی با امیریا لیسم چگونه است، آری رژیم زانگاهای توده ها و وحشت دارد و چنین است که از اعلامیه ها و نشریات کمونیستها بشدت وحشت دارد و فعالیت افتنا گرانها را با ترور و قیرباران پاسخ میگوید.

جنایت جدید رژیم در قیرباران ۳ پیکارگر قهرمان در آبادان و آغا جاری، ادا مهیاست کشتار و سرکوب رژیم برای بازسازی سرمایه داری وابسته است و ما به خلق قهرمان ایران در مورد تشدید این سیاست سرکوب و خفقان و ترور و قیرباران به بهانه جنگ غیر عادلانه کنونی هشدار میدهم:

سه پیکارگر قهرمان چرا قیرباران شدند

با شروع جنگ رفقای هوادار سازمان در خوزستان فعالانه در کمیته های امداد و شرکت جستند آنها همه جا در کنارتوده ها، به افتخاری بر علیه این جنگ ارتجاعی پرداخته، در ضمن از هیچ فداکاری و از جان گذشتگی به منظور کاشی صدمات جنگ برای توده ها دریغ نکردند، و قیرباران باران دلاور مادر خوزستان نیز بخاطر همین رزمندگی و بیکار جوئی رفقای هوادار ما بوده است.

پیکارگر شهید شکرالله دانشیار، که مدت ها بود در سنگر سازمان پیکار به فعالیت انقلابی در

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر، با قلبی مالامال از عشق به زحمتکشان و نفرت و کینه به دشمنان خلق و با افتخار روسری بندید شهادت ۳ پیکارگر دلیر ۳ عاشق خلق و ۳ دشمن آشتی ناپذیر امیریا لیسم و سرما به داری را به اطلاع زحمتکشان میهن میرساند و با بیمانشی استوار تر برای رهائی زحمتکشان، مانع همیشه تنها انگاشتن توده های انقلابی میهن روی می آورد.

خلق قهرمان ایران: در بحبوحه جنگ ایران و عراق، کذب و کربنای تبلیغات دروغین رژیم مبنی بر "دفاع از میهن" کوش فلک را کرده است.

در شرایطی که به بهانه شرکت در جنگ، رژیم میکوشد مبارزات توده ها را سر علیه امیریا لیسم و ارتجاع منحرف کند.

در زمانی که بیخاطر این جنگ غیر عادلانه توده های زحمتکش ما قیرباران خمیا ر و توب و راکت، خانه خراب و در بدر می شوند و جان می سپارند.

در هنگامیکه رژیم با فریب توده ها، خود را مدافع مردم و عدا امیریا لیست حاکمیت میزند، آری درست در همین هنگامه جنگ با دولتی دیگر نیز رژیم پیش از پیش بر علیه انقلابیون و زحمتکشان توطئه میکند.

رژیم ارتجاعی ایران اکنون با تشدید خفقان و سرکوب، دستگیری و شکنجه و بالاخره اعدا ما انقلابیون کمونیست، بخوبی نشان می دهد که دشمن واقعی کیست؟ و چه اهدافی را در این جنگ دنبال میکند.

رژیم که به بهانه جنگ هم اکنون مشغول بند و بست با امیریا لیسم آمریکا برای خرید سلاح و آزادی جاسوسهاست، رژیم که در این ۲۵ ماه، جز کشتار و فقر و نکبت و بیکاری و جنگ خانمانسوز برای زحمتکشان ایران به ارمان نیامورده است و همچون رژیم ضد خلقی شاه خاشاک و بختیار مزدور به سر نیزه تکیه کرده و از کردستان تا دانشگاه و از زندانهای خوزستان و... خاک را با خون پاک زحمتکشان و انقلابیون و کمونیستها رنگین کرده است، رژیم که متافع سرما به داری وابسته را حفظ کرده و همچنان از استعمار و غارت زحمتکشان ایران حمایت میکند.

رژیم که کارگران و زحمتکشان را استثمار میکند و مبارزاتشان را بخون میکشد، رژیم که با دولت ارتجاعی و ضد خلقی عراق درگیر جنگی غیر عادلانه و برخلاف متافع زحمتکشان ایران و عراق شده است و همچون سرما به داری عراق که در فکر توسعه طلبی و منحرف کردن ذهن توده ها از مسائل داخلی خود هستند، به صدور "انقلاب



پیکارگر شهید شکرالله دانشیار
مستأفانه عکس دو رفیق شهید دیگری دست ما نرسیده است

تنها طبقه کارگر است که از آزادی حقیقی ملیتها دفاع میکند



یکی از وظایف مهم طبقه کارگر، به عنوان پیگیرترین و انقلابی ترین طبقه اجتماعی و کمونیستها، به عنوان نمایندگان این طبقه انقلابی، رفع ستم ملی از خلقهای ستم دیده میهنمان (کرد، ترکمن، بلوچ، ترک و...) و تامین حق تعیین سرنوشت ملل بدست خودشان می باشد.

ستم ملی چیست و چگونه برای این خلقها ستم ملی وارد می آید؟ خلقهای تحت ستم ایران، سالیان دراز است که زیر ستم طیفاتی و ملی رژیم حاکم از حقوق حقه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خود محروم بوده و تحت اشکال گوناگون زیر فشار طبقه مسلط قرار داشته و دارند.

مثلا میبینیم که مناطقی مانند کردستان و بلوچستان از نظر اقتصاد عقب مانده تر از نقاط دیگر هستند و سرمایه داری در این نقاط بسیار کمتر از نقاط دیگر رشد کرده و توده ها درگیر اشکال مناسبات تولیدی عقب مانده تری هستند. بورژوازی فارس از عقب مانده بودن این مناطق برای غارت بیشتر زحماتشان آنجا استفاده کرده است از نظر رفاه و عمرانی نیز این خلقها وضعیت بسیار بدتری از دیگر ستمکشانی که در ستم محروم میهن ما دارند، بدین ترتیب ستم اقتصادی و سیاسی بر زحماتشان این مناطق شدیدتر از دیگر مناطق بوده است.

از لحاظ فرهنگی در زمان رژیم شاه استفاده از زبان کردی در مدرسه و پوشیدن لباس محلی برای کردها ممنوع بوده و بچه های کرد مجبور بودند که در خانه به یک زبان و در مدرسه به زبان دیگری سخن بگویند. در مورد آئین و مذهب نیز کردها و بلوچها از حقوق برابر با فارسها محروم بودند. اینها نمونه هایی از مجموعه ستمگریهایی بود که توسط رژیم پادشاهی در مورد کلیه خلقهای تحت ستم اعمال میشد و امروز از جانب رژیم جمهوری اسلامی نیز سیاست ستم گری اعمال میشود.

اما برای ستم چگونه میتوان این ستم ملی را که تا برابری میان ملیتها و عدم اعتماد و تفرقه میان خلقها را دنبال دارد از میان برداشته و وجه طبقه ای قدر بر رفع این ستم ملی میباشد؟

ستم ملی تنها با یکا بردن اصول دمکراسی کارگری از بین خواهد رفت. رفیق لنین در نوشته "طبقه کارگر و مسئله ملی" مینویسد:

"برای هیچ ملتی و برای هیچ زبانی حتی یک امتیاز هم نباید قائل شد! بدون کوچک ترین اجحاف و بدون کوچکترین تبعیض نسبت به اقلیت ملی! اینهاست اصول دمکراسی کارگری"، "کارگران در برابر جهان کهنه، جهان ستم ملی، نفاق ملی و بی منازعات ملی، جهان نوین وحدت زحمات - کسان تمام ملیتها را قرار میدهند که در آن برای حتی یک امتیاز، حتی برای کوچکترین ستمگری انسان بر انسان دیگر جانی نیست".

آنچه برای طبقه کارگر و کمونیستها در رابطه با خلقها بسیار مهم و ضروریست جلب اعتماد خلقها به خود میباشد. بورژوازی با تبلیغات شوینستی خود میکوشد بین خلقها نفاق انداخته و وحدت میان آنها را از بین ببرد تا بدین ترتیب بتواند احکامیت ارتجاعی خود را مستحکمتر نماید. طبقه کارگر و کمونیستها با شرکت مستقیم در مبارزات توده ای خلقها برای تحقق خواسته هایمان و ارتقا سطح این مبارزات و تبلیغ همبستگی میان خلقها و کارگران کلیه ملل و بالاخره با دفاع و پشتیبانی از مبارزات خلقهای ستم دیده و طبقه خود را در فعال خلقها انجام میدهد.

این دفاع و پشتیبانی به چه معناست؟ همانطور که رفیق استالین در "مسائل لنینیسم" میگوید "معنای این آن نیست که پرولتاریا با یک طرفه ستم نسبت ملی یعنی در همه جا و همیشه و در تمام موارد بخواهد کمک نماید. سخن ما در اینجا در باب مساعدت به جنبان نهضت ملی است که باعث ضعف و سرنگونی امپریالیسم شود نه آنکه سبب استحکام و باقی آن گردد."

بر این اساس کمونیستها از نهضت خلقی که پشتیبانی میکنند چرا که این نهضت برای کارگران ارتجاع و امپریالیسم ضربه وارد میسازد.

طبقه کارگر و کمونیستها در عین حال که با شرکت و پشتیبانی خود به خلقهای تحت ستم در مبارزه شان کمک میکنند، با هرگونه انحراف ناسیونالیستی که بخواهد جنبش خلقهای تحت ستم را از جنبش عمومی خلقهای کشور بر علیه ارتجاع و امپریالیسم جدا کند و طبعاً این جنبش را به شکست بکشد، مبارزه میکنند و به خلقها می آموزند که مبارزه آنها جزء جدائی ناپذیر انقلاب دموکراتیک و ضد امپریالیستی برهبری طبقه کارگر می باشد. تنها در صورت پیروزی طبقه کارگر ایران است که خلقهای سراسر ایران آزاد میشوند. و بدین ترتیب به خلقها ثابت میشود که این پرولتاریا و "فقط پرولتاریاست که از آزادی حقیقی ملیتها و از وحدت کارگران کلیه ملل دفاع میکند".

اما چه طبقه ای میتواند این اصول را بکار ببرد؟ آیا طبقه سرمایه دار قادر است ستم ملی را از میان بردارد؟ بدون شک خیر، بورژوازی سعی میکند در برابر خواسته های خلقهای تحت ستم در ابتدا موجودیت ملیتها را نفی کند و خواسته های خلقها را با سکوت برگزارد نماید و هنگامیکه جنبش خلقها بالا گرفت ابتدا سرکوب جنبش و چنانچه با زهم موفق به خواباندن جنبش نشد میکوشد با دادن آزادی های ظاهری و موقتی جنبش را خاموش کند.

شاهد این مدعا ها رژیم پادشاهی شاهنشاهی است که در سراسر عمر ننگین و پیرنگیت خود جز ستم طبقه ای و ملی علیه خلقهای تحت ستم کار دیگری نکرد. رژیم جمهوری اسلامی نیز در مدت یکسال و نیم از عمر خود بنا به ماهیت طبقاتی اش نه تنها به خواسته عادلانه خلقها جواب مثبتی نداد، بلکه بعنوان نمونه دیدیم که از ابتدای برقراری جمهوری اسلامی، خلق کرد بطرز وحشیانه - ای سرکوب شد و خلقهای بیچاره جاسواب خواسته های عادلانه خود را با بمباران شهری ده گرفتند. بعلاوه دیدیم انقلابیونی که همراه با خلق کرد بر علیه ارتجاع مبارزه کردند و میکنند بطرز سبانه ای تحت ننگ این سفاکان قرار گرفته و با بیوجهی عدا مسپرد شدند.

خرده بورژوازی هم بنا به ماهیت و ترزولات طبقه تیش نمی تواند جوابگوی رفع ستم ملی با تودور مورد خلق کرده میبینیم که نتوانستی خود را در جوابگوئی به خواسته های خلق کردنشان داده و همه جا همصدا و همگام با بورژوازی بسه سرکوب جنبش خلقها پرداخته است.

تنها این طبقه کارگر است که به علت انقلابی و پیگیر بودن خود در مبارزه بر علیه امپریالیسم و طبقه کارگر و ستم ملی میتواند این امر مهم را بعنوان یکی از وظایف اساسی خود انجام دهد. در شوری بعد از انقلاب کبیرا کتیر دیدیم که چگونه طبقه کارگر برهبری حزب بلشویک توانست به خلقهای تحت ستم آزادی و برابری بدهد و در چین نیز خلقهای تحت ستم برهبری حزب کمونیست چین توانستند به حقوق واقعی خود دست یابند.

در چین رویزونیستی چه میگذرد؟ (۳)

خیانت آنکار، خیانتی دیگر در شرف تکوین می باشد و آن اینکه رویزونیستهای سهجانی جینی یکی دیگر از دستاوردهای جنبش بیسن - المپلی کمونیستی را بطرز وقیحا نهی مورد حمله قرار داده اند. رویزونیستهای در چین بحثی بر اها نداخته اند یعنی برای آنکه ما هیت نظام دروسی شوروی می تواند سوسیالیستی باشد (۱۴) "وانگ" نما بنده اصلی گفتگوهای جین - شوروی و معاون وزیر خارجه جین اخیرا مطرح ساخته است که "در مورد مسئله بخصوص سوسیالیستی بودن یا سرما به داری بودن شوروی از اظہار نظر شخصی خود داری میکنند و اظہار میدارند که باید در این مورد تحقیق بیشتری شود و نیازی به نتیجه گیری های عجولانه نیست." علاوه تنگ مرتد در نطقی در ۱۶ ژانویه سال مطرح نمود که "شوروی ۶۳ سال است که در حال ساختن سوسیالیسم بوده، از زمان انقلاب اکتبر ۱۹۱۷." (۲)

۱. و بدین ترتیب ما هیت امیریا لیستی شوروی کنونی را نفی می نماید. آنچه مسلم است اینکه امروز این موضع به موضع رسمی حزب تبدیل نگشته است، اما بسیار محتمل است که رویزونیستهای جینی بطرز آشکار به اتخاذ چنین موضعی برسند. البته این امر عجیبی نیست زیرا سهجانی های خیانتکار همان راهی را طی میکنند که خروشچف و برژنف خائن طوسی کردند. رویزونیسم دارای مضمون طبقا تسی یگانه است. رویزونیسم سهجانی و رویزونیسم خروشچفی در جوهر اصلی و طبقا تسی خود هیچگونه تضادی با یکدیگر ندارند. هر دو به یک راه منتهی میشوند: **راه سرما به داری.** بنا بر این امر عجیبی نیست که رویزونیستهای جینی به محض میسن اساسی مبارزه در رویزونیستی سالهای ۶۰ حمله کنند و ترسوسال امیریا لیسم را مورد نفی قرار دهند. امروز رویزونیستهای برژنفی و حزب توده خائن، سیاست خارجی را از سیاست داخلی جدا کرده و مطرح میکنند که "سیاست داخلی چین سوسیالیستی" است و حال آنکه "سیاست خارجی آن خدا انقلابی" است! و از کجا معلوم که رویزونیستهای جینی همین ترسود انقلابی را بطور آشکار در روسی در مورد سوسیال امیریا لیسم شوروی مطرح نمازند؟

نه، این تقلب وقیحا نه در ما رکسیسم است.

(۳) - منبع این نقل قولها از رگان "کارگر انقلابی" شماره ۵۷، ۳۰، ۱۹۸۰ می باشد.

خانتیهای رویزونیستی لطافات خود را وارد نمود است. آنان تمام دستاوردهای را که نتیجه اعمال مافی مارکسیستی لنینیستی رفیق ما شوییده مورد ستیها جوفتی قرار داده و بطرز همدجا بنده سعی خود را با سوسیالیسم نشان داده اند: نفی مبارزه طبقاتی پرولتاریا تحت دیکتاتور پرولتاریا، نفی امکان بازگشت بورژوازی به قدرت سیاسی و در نتیجه خلع سلاح نمودن طبقه کارگر، نفی انقلاب فرهنگ، پرولتاریا بی علیه مناسبات اجتماعی کپین، نفی کمون گنا ورزی و ناید مالکیت خصوصی، نفی و حملد به کمیته های انقلابی دروا حدهای تولیدی و تاکید بر تقویت مدیریت انضباطی تکنیسین ها و متخصصین، نفی مبارزه علیه انگیزه و محرکه مادی و تاکید بر مشوقتهای بورژوازی، حمله و طرح بلین مافی پرولتاری و با رگواندن همه رویزونیستهای خیانتکار در راهی، عور جزبی و دولتی، حمله در رویزونیستی و غائله های تفریق ما شووا عاده حیتت از رهروان را سرما به داری همچون لیونا توجی خائن، حمایت از مذاهب تعالیه های مذهبی و سرما به داران قدیمی، نفی و حملد به مناسبات کپینر ضد رویزونیستی سالهای ۶۰ حزب کمونیست است جین علیه رویزونیسم شینوئی و خروشچف، زمیده جینی جهت نفی ما هیت سوسال امیریا لیستی شوروی و عواران حیانت دیگر.

انتهای نمونه های از اقدامات ارتجاعی با نندنگ سا شوینگ و با در حقیقت نمونه های ارتسلوراب مافی بورژوازی نوین در چین می باشد. نمونه های که آشکارا ما هیت منفا دمنی انقلابی رفیق ما شوومی ارتجاعی کنونی را بسایش می گذارد (۲).

خوبست در مورد آخرین خیانت رویزونیستهای قدری مکت کنیم، میدا نیم که جین سوسیالیستی تحت رهبری رفیق ما شو، یوکسلاوی را بدرستی یک کشور سرما به داری ارزیابی کرده و حزب و رهبران یعنی تیتوی خائن را رویزونیست ارزیابی می نمود. ما با نندنگ - هو ایسن دنا و در حزب کمونیست جین را لکد مال کرده و اعلام داشت که یوکسلاوی کشور "سوسیالیستی"، و حزب آن "کمونیستی" و رهبران "مارکسیست لیسیست کپین" بشما رمی آید. بدینا ل ایسن

(۲) - برواض است که تا کید بر مافی انقلابی ما شویم مافی نفی انحرافات راسترا وانسه جین کمونیست و رفیق ما شو می باشد.

در شماره قبل راجع به خط مافی اقتصادی رویزونیستهای سهجانی در چین اشاره کردیم و نشان دادیم که رویزونیستها چگونه بر اساس مویات "اجلاس مجلس ملی" در تسمین خط مافی خائنه خود را بطور فتنه اند، در ادا بدیعت فیسل با بدگفت این واقعیتی است که رویزونیستهای در چین سوسیالیسم و دیکتاتور پرولتاریا را از بین برده و سرما به داری را مستقرا غننه اند. زان شوزیا نگ رویزونیست گفت: "هر آنچه که تولید را نرم میکند یا داری برود." "معنای دیگر این گفته جز این نمی توانست باشد که هر آنچه تولید سرما به داری را نرم کند یا داری برود. بورژوا های نوین در راه تحقیق ایسن هدف با تمام قوا گوشتند. آنان تولید سوسیا لیستی را تخریب کرده و اقتصاد کشور را بر راه سرما به داری سوق دادند و راه را بر ظهور مجموعه عوارض مافی ارتظام کندیده سرما به داری هموار نمودند، بنحوی که سبب است اقتصاد مافی منگی بر "بازده بیشتر" و "سود افزونتر" نمی توانست به حیران نیانجامد. در سال ۱۹۷۹ کسری بودجه جین به ۱۱/۵ میلیون دلار رسیده، نورم به ۶ درصد بالغ شده، بدهی خارجی به ۱۴ میلیارد فرانک افزایش یافته و رشد تولیدات از ۸/۵ درصد به ۵/۵ درصد شزل پیدا کرده است. (۱)

در چین تخریب اقتصاد سوسیالیستی همراه دیوید کاشون درهای کشور پروری امیریا لیستیهای جینا تخوا ر، بعنوان نمونه حجم مافی دلات جین و امریکا در سال جاری به ۴ میلیارد دلار خواهد رسید. حال آنکه در دو سال سبب حجم مافی دلات به بیش از ۱ میلیارد دلار رسیده بود. در حال حاضر از میان کشورهای رویزونیستی، چین بزرگ ترین شریک بازرگانی امیریا لیسم آمریکا می باشد. علاوه مافی دلات اصلی جین به امریکا رفت خام است که در سال گذشته جین ۷۱ میلیون دلار از این با ست در آمددا شده است. ولی جالب آنجا است که در شرایط حاضر حجم مافی دلات امریکا به جین ۴ برابر حجم مافی دلات جین به امریکا بورژوازی جینا میگویند تا جین وانمود سازد که بحران اقتصادی جین مافی اقتصاد سوسیالیستی می باشد. حال آنکه این دروغ شیاندهای بیسن نیست، این بحران نتیجه مستقیم حاکمیت بورژوازی نوین می باشد. ما میسریم جراد زمان اسنلین در توری و در زمان ما شو در جین ما با جینین بحرانها تسی مواجه نبودیم؟ یا بخ روشن است زیرا تولید سوسیالیستی فارغ از بحران می باشد، زیرا سوسیالیسم بیما رست.

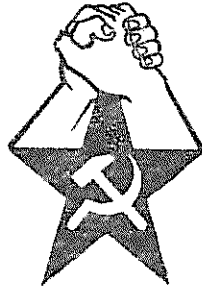
ضربت رویزونیستهای جینی به اسجنا محدود نمی شود. در نما عمره های سیاست داخلی

(۱) - ارتفاع از آفریقای جوان ۱۷ سینا میر ۱۹۸۰ (اکسیرس) ۲۰ سینا میر ۱۹۸۰ می باشد.

رویزونیسم را در هر پوششی افشا و طرد کنیم

ادامه از شماره قبل

ساد شماره قبل اطلاعیه وحدت گروه انقلابیون آزادی طبقه کارگران را ایجاد نمودیم که مرکزیت گروه برای جمع بندی و تعیین سیاست آینده، کنگره را فراموشی خواند. این کنگره در سه زمینه زیر به بحث میپردازد:



اطلاعیه
وحدت با گروه
انقلابیون
آزادی طبقه کارگر

گروه را در جهت جنبش وحدتی تعیین نمودند. از آنجا که حرکت گروه گریانه ما در جهت حفظ شکل و حرکت مستقل و در یک کلام مصلحت - کراسی تشکیلاتی مورد نقد و شی قرار گرفته بود حرکت همه نیروها در راستای تدارک ایجاد حزب مشخص شده بود، کنگره صریحا اعلام داشت که دیدگاه ما در حرکت وحدت طلبانه با رفقای بیگانه، نه تقویت صرف یک تشکیلات، بلکه تقویت اصولی - ترین جریان ایدئولوژیک درون جنبش کمونیستی است. (به نظر ما موضعگیری - انقلابی رفقا در جنگ ایران و عراق نشانه دیگری از اولویت دستاوردهای جدیدان و مصلحت انتخاب ما بوده است)

بدین ترتیب کنگره، کمیسیون مشخصی را برای وحدت انتخاب نمود. پس از آنما کنگره گروه و رفقای بیگانه را روشن کردن موارد اختلافات جزئی و تعیین جایگاه آنان و پیوستن از وحدت نظر بر روی اساسنامه زمان، در محیطی آکنده از روحیه تفاهت و اعتماد در فیقا نه، از سر وحدت تشکیلاتی را به سرانجام رساندند.

مختصری از ابعاد فعالیت گروه

بهرغم اشتقادات و اردبیه مجموعه حرکت گذشته، با پیدایش دستاوردهای فعالیت خستگی - ناپذیر رفقای گروه ما میسر آمد. ابعاد این فعالیت نشان میدهد که چگونه خردگاری، جنبش پتانسیل مبارزاتی ارزشمندی را به بند کشیده است.

حیطه های فعالیت گروه در کارخانجات، جنبش بیگاری، جنبش دانش آموزی، جنبش دهقانی و مناطق شومالی - کارگری بوده است. دامنه فعالیت گروه: بکلان، آذربایجان، قزوین، ساوجبلاغ، کرچ و تهران را در بر میگیرد. است. در تهران علاوه بر شرکت فعال در رهبری جنبش های اعتراضی بیگاری، مصادره خانه، دکه، داران و کار در محلات و کارخانجات، رفقای گروه نقش فعالی در رهبری حرکت های عظیم اعتراضی چندکارخانه ها داشته اند. تجربیات ارزشمندی در این رابطه بدست آمده که گروه نتوانست به جنبش ارائه دهد.

رفقای گروه در رهبری یکی از جنبش های معروف بیگاری ایران نقش تعیین کننده ای داشتند. این جنبش دستاوردهای مهمی در زمینه پیوند کارگران شاهر و بیگاری روپینودا نسج - یان و دانش آموزان با جنبش کارگری داشته است. تجربیات حاصله در این مورد، چه در رابطه با رهبری جنبش بوده ای، چه در رابطه با فعالیت های سندیکائی و چه در رابطه با خود جنبش کارگران بیگاری، بسیار رفقا آنها بوده است لیکن در این مورد هم نتوانستیم این تجربیات را بدجنس انتقال دهیم.

در جهت سرنگونی آن میباشد.
۴ - الف: اعتقاد به اینکه ساخت اقتصادی کنونی جامعه ما سرمایه داری وابسته است
ب: انقلاب ایران در این مرحله دموکراتیک و ضدا میریالیستی بماند به نفع اول انقلاب سوسیالیستی است.
ج: بیولتاریا نیروی عمده و اساسی انقلاب بوده و بورژوازی بعنوان یک طبقه ارتجاعی است.

۵ - رد مشی آوانتوریستی چریکی، به مناسبت بینشی که ضرورت حزب و همزبونی بیولتاریا را نفی میکند

۶ - در زمینه برخورد به گذشته، کنگره اکونومیسم (بی برنامه گی و حرکت خود بخودی) را انحراف گروه تشخیص داد. در عرصه وظایف تئوریک، گروه دچار استرویی بوده است و بخصوص در مبارزه ایدئولوژیک به مناسبت عرصه مهمی از مبارزه طبقه ای دچار رکنگاری بوده است. کنگره حرکت مستقل گذشته را مورد نقد قرار داده و آنرا فاقد حقانیت ایدئولوژیک سیاسی ارزیابی نمود. رفقای کنگره با به زیر انتقاد کشیدن مضمون خردگاری را نه فعالیت گذشته، وحدت و مبارزه در جهت وحدت را و وظیفه محوری گروه تعیین نمودند.

۷ - در زمینه چشم انداز آینده، گروه به بررسی وحدت نظر خود با نیروهای سیاسی پرداخت. از آنجا که ما در ارتباطات تیار کننده تا حدی در جریان مبارزه ایدئولوژیک درونی سازمان بیگاری بودیم، و همچنین با اطلاع از نتایج کنگره رفقا، دریا فتنیم که کنگره با برخورد به انحرافات را استروانه گذشته سازمان، به دستاوردهای نوینی رسیده است، کنگره ما متفق القول دستاوردهای کنگره رفقا در برخورد به انحرافات گذشته، مواضع سیاسی و وظایف آینده را مثبت و درخشان ارزیابی نمود. انطباق سیاست نزدیک مواضع ما دستاوردهای سازمان بیگاری از یک طرف و مبارزه اصولی این رفقا در جهت برخورد به گذشته و ارتقاء جنبش کمونیستی از طرف دیگر، سبب گردید که کنگره، وحدت سریع و بلاد رنگ را با سازمان بیگاری در دستور کار قرار دهد. همگی رفقا تقویت این جریان ایدئولوژیک را وظیفه نیروهای راستین کمونیستی دانسته و حرکت آینده

پیش بسوی مبارزه ایدئولوژیک ضامن وحدت جنبش کمونیستی

←
- رهنمای گروه در حسی دهقانی صادره زمین و تشکیل شورای دهقانی شرکت فعیسال داشتند.

- گروه در منطقه "سا و جیلاغ" علاوه بر فعالیت در میان کارگران، تشکیل دانش آموزان مبارزو بدنبال آن تشکیلات هوا دار را سازمان داد. این رفقا در پیوند جنبش دانش آموزی بازحمت کسان فعالیت گسترده و خستگی ناپذیری داشتند - در رشت و چند منطقه دیگر گیلان و همچنین تبریز، رفقای گروه پیوند گسترده ای با زحمتکشان ایجاد کرده بودند

- در مورد نشریات، علاوه بر برخی نشریات فابریک، گروه کارگری "صدای انقلاب" و نشریه دانش آموزی "ندای انقلاب" را منتشر می نمود.

رفقا؛ رزمندگان کمونیست!

در شرایط حساس کنونی، جمع بندی عملکرد گذشته ما، برخورد به ضعفها و انحرافات ما، فاسد سلامت حرکت آینده ما است. جنبش کمونیستی راهی کوتاه پیموده است و راهی دراز در پیش دارد. گذشته را باید توشه آینده سازیم.

تشکل ما بمنابر بخش کوچکی از بیکر جنبش کمونیستی ایران، حرکت گذشته خویش را در تشدید برای کندی جنبش، مورد انتقاد قرار میدهد. عدم حرکت فعال ما در مبارزه برای تقویت وحدت هر چه بیشتر صفوف کمونیستها و تاکید بر حرکت مستقل، نه در خدمت پرولتاریا، بلکه در جهت خرده کاری و پراکنندگی بوده است امروز مقایسه آنچه کرده ایم و آنچه می توانستیم انجام دهیم ما را بر آن میدارد تا روح عدم فعالیت از خرده کاری را که با تمام موجودات حساس میکنیم با صدای رسا اعلام داریم.

اگر چه درک ضرورت وحدت و مبارزه با طران عمیق تر گشته است، اما میان تجربه ما میتوان حد قابل برای آن نیروها بی گناه علیرغم نداشتن مرز بندی اساسی در جدائی خویش میگویند، موثر باشد.

آنچه در تحلیل نهایی، چنین انحرافی را در ما سبب گردید، عدم درک ما از وظایف تاریخی - مان بود. ما بجای آنکه بر اساس وظایف و مشکلات کل جنبش کمونیستی حرکت کنیم، مصالح و مشکلات تشکیلات خویش را مبنای حرکت قرار میدادیم. تعمیم دادن برخی موفقیتها در عرصه های محدود از پراتیک، ما را به محدود نگری سوق میداد. و ابعا دوسیع وظایف سنگین کمونیستها را نادیده می گرفتیم.

از آنجا که حرکت ما نتوانست بطور هدفمند در راستای پاسخگویی به اساسی ترین ضرورت جنبش باشد، از آنجا که نتوانستیم هر حرکت خویش را در جهت تدارک ایجاد جذب، آگاهانه مشخص نمائیم، نیروهای خویش را در چهره رچوب تنسگ خرده کاری به بند کشیدیم. فعالیت رفقای ما علیرغم تمام تلاش خستگی ناپذیرشان به سبب

آنکه مبتنی بر قانونمندی و ضروریات جنبش نبود، نتوانست در جهت ارتقاء جنبش کمونیستی آنگونه که باید موثر باشد.

رفقا، حرکت خود بخودی غالب بر گروه ما و عدم حرکت از ضروریات کل جنبش کمونیستی، تنها به تشکل ما محدود نبوده است. امروز اگر چه درک وحدت صفوف کمونیستها و حرکت بسوی وحدت عمیق تر گشته است و تلاشهای موثری در این جهت صورت پذیرفته است اما همچنان جنبش از حرکتی نقشه مند در جهت ضروریات دوران تدارک ایجاد حزب محروم میباید. اینک دیگر زمان آن نیست که با بیان ضرورت اکتفا نمودن ما به اقدام عملی برداشت.

اولا نیروهایی که در اصول برنامه ای خود مرز بندی اساسی ندارند باید فعلا لانه در جهت وحدت تشکیلاتی خویش اقدام نمایند. هرگونه تعلل بهر بهانه و توجیهی محکوم به شکست خواهد بود.

ثانیا همه نیروهای کمونیستی باید با تدقیق خطوط اختلاف خویش مبارزه و ایدئولوژیک فعلی را بطور هدفمند حول اصول برنامه ای سازمان دهند. مبارزه ایدئولوژیک را باید پیش از پیش از حالت خود بخودی خارج کرد و به شکل نقشه مند و متمرکز انجام داد.

ما با چنین درکی از وحدت و اعتقاد دلسوزانه ایجا در حزب طبقه کارگر بحث به فوری ترین و محوری ترین وظیفه کمونیستها بسوی وحدت گام برداشته ایم. از دیدگاه ما، وحدت ما و رفقای بیگانه را حلقه ای از وحدت صفوف کمونیستها و گامی کوچک در جهت تدارک ضروریات ایجا در حزب می باشد.

رفقا!

در مقابل جنبش کمونیستی ایران وظایف سنگینی و تاریخی قرار دارد. امروز اگر چه غلبه رویزیونیسم بر نهضت کارگری جهان موقوف جنبش کمونیستی جهان را دچار رشت و پراکنندگی گردانیده است، امروز اگر چه پیگانهای نیرومند رویزیونیسم و کارگران مستقیم و غیر مستقیمشان هر جنبش نوپای کمونیستی را مورد تهاجم ایدئولوژیک قرار میدهند، امروز اگر چه جنبش کمونیستی جوان ما با بدوش کشیدن عوارض انحرافات گذشته ناشی از سلطه رویزیونیسم، مراحل اولیه خویش را میگذرانند... اما ما بحران کنونی جهان امپریالیستی رشد و گسترش اوضاع انقلابی را توید میدهد و در این میان، وحدت یابی تشادهای جامعه و رو به رشد مبارزه طبقاتی، موقعیت خاص و بر جسته ای به کشور ما و جنبش توده ای آن و بویژه پرولتاریای ایران میدهد. موقعیت و جایگاه که چشم انداز سرخ با شکوهی را نوید میدهد، چشم اندازی که مبارزه ای بی امان را از ما میطلبد. آری، برای غلبه بر ضعفها و نارسائیهای خویش برای متحد و متشکل گردانیدن پیشروان طبقه کارگر در حزبی نیرومند، برای یابی

صفوف خویش از فرمیسم و تنزلات رویزیونیستی، برای مبارزه بی امان بر علیه رویزیونیسم جهان، برای برافراشتن پرچم ظفر نمون ما رکیسم - لنینیسم برای تحقق هژمونی پرولتاریا بر جنبش دموکراتیک ضد امپریالیستی توده ها، برای تقویت و استحکام نثرنا سیونال - ایسم پرولتری... یک دنیا کار لازم است.

پس، دست بکار شویم رفقا! وظایف آینده و جسم انداز نوید بخش آن، مبارزه ای بی امان و خستگی ناپذیر را از ما میطلبد، بکوشیم تا یستگی رسالتی را که تاریخ پر دوش ما گذارده است داشته باشیم.

بکوشیم حرکات هدفمند خویش را در راستای ایجا در حزبی رزمنده که ادامه دهند به لوشیسم باشد سازمان دهیم بکوشیم همیشه مصالح دراز مدت و آرمانهای کبیر پرولتاریا را فراتر از هر چیز قرار دهیم.

پیش بسوی مبارزه ایدئولوژیک بیگانه و هدفمند برای سلامت و وحدت جنبش کمونیستی! پیش بسوی وحدت صفوف کمونیستها! پیش بسوی پاسخگویی به جنبش انقلابی یا بنده طبقه کارگر توده ها! پیش بسوی ایجا در حزب کمونیست ایران!

"انقلابیون آزادی طبقه کارگر"

۵۹/۷/۱۵

بقیه از صفحه ۱۲ وظایف...

زیر کمیته دارای قابلیت های سیاسی و تبلیغی بود و با ذوق و خلاق باشد.

ب- کمیته امداد متشکل از رفقای خواهد بود که قدرت ارتباط گیری توده ای و توانائی رهبری و سازماندهی رفقای زیر کمیته را داشته باشند. در این کمیته رفقای که توانائی های مشخصی در زمینه های پزشکی... دارند، سازماندهی میکنند.

ج- کمیته تشکیلات - ویژگی این کمیته در قدرت سازماندهی توده ای، هدایت تشکیلاتی و قدرت رهبری مبارزات توده ای است.

د- کمیته هماهنگی متشکل از ارشدهای کمیته - ها میباید که در صورت لزوم با یستی یکی از رفقای با تجربه تشکیلاتی در هدایت جمع شرکت نماید. این کمیته هم نظر که گفتیم نقش رهبری و هدایت عمومی کمیته ها را داراست و خطوط اساسی فعالیت کمیته ها با بد توسط آن داده شود. چند نکته مهم:

۱- در تماس گیری با آوارگان و سازماندهی آنان با یستی استخوان بندی کارما را سازماندهی توده های زحمتکش و کارگردانان آوارگان (در عین جد نکردن کامل صفوف آنان از بقیه آوارگان) تشکیل میدهد. بدیهی است شرط مهم را بدیکالیزه کردن مبارزات آنان نیز همین است.

۲- از کلیه رفقا خواسته شود که در اجرای طرح فوق، برخوردی خلاق و منطبق با شرایط منطقه نموده و در ارتقاء آن بکوشند و در همین رابطه تجارب حاصله را برای ما ارسال دارند.

ادامه از شماره قبل

ساد شماره قبل اطلاعیه وحدت گروه انقلابیون آزادی طبقه کارگران را ایجاد کرد. مرکزیت گروه برای جمع بندی و تعیین سیاست آینده، کنگره را فرامی خواند. این کنگره در سه زمینه زیر به بحث می پردازد:



اطلاعیه
وحدت با گروه
انقلابیون
آزادی طبقه کارگر

گروه را در جهت جنبین وحدتی تعیین نمودند. از آنجا که حرکت گروه گرا یا نه ما در جهت حفظ شکل و حرکت مستقل و در یک کلام مصلحت گرائی تشکیلاتی مورد نقد و شی قرار گرفته بود حرکت همه نیروها در راستای تدارک ایجاد حزب مشخص شده بود، کنگره صریحا اعلام داشت که دید ما در حرکت وحدت طلبانه با رفقای پیکار، نه تقویت صرف یک تشکیلات، بلکه تقویت اصولی - ترین جریان ایدئولوژیک درون جنبش کمونیستی است. (به نظر ما موضعگیری انقلابی رفقا در جنگ ایران و عراق نشانه دیگری از اصلیت دستاوردهای جدیدشان و وحدت انتخاب ما بوده است)

بدین ترتیب کنگره، کمیسیون مشخصی را برای وحدت انتخاب نمود، پس از آنما کنگره گروه و رفقای پیکار ریس از روشن کردن موارد اختلافات جزئی و تعیین جایگاه آنان و بررسی از وحدت نظر بر روی اساسا سنا مه زمان، در محیطی آکنده از روحیه تفاهت و اعتماد در فیقا نه، امر وحدت تشکیلاتی را به سرانجام رساندند.

مختصری از ابعاد فعالیت گروه

بهرغم انتقادات وارد به مجموعه حرکت گذشته، با پدید آمدن دستاوردهای فعالیت خستگی ناپذیر رفقای گروه ما، پس از ابعاد این فعالیت نشان میدهد که چگونه خرده کاری، چنین پتانسیل مبارزاتی ارزشمندی را به بند کشیده است.

حیطه های فعالیت گروه در کارخانجات، جنبش بیکاری، جنبش دانش آموزی، جنبش دهقانی و مناطق توده ای - کارگری بوده است. دامنه فعالیت گروه: بکلان، آذربایجان، قزوین، ساوجبلاغ، کرچ و تهران را در بر می گرفته است.

در تهران علاوه بر شرکت فعال در رهبری جنبش های اعتراضی بیکاری، مصادره خانه، دکه، داران و کار در محلات و کارخانجات، رفقای گروه نقش فعالی در رهبری حرکت های عظیم اعتراضی چند کارخانه داشته اند. تجربیات ارزشمندی در این رابطه بدست آمده که گروه نتوانست به جنبش اراش دهد.

رفقای گروه در رهبری یکی از جنبش های معروف بیکاری ایران نقش تعیین کننده ای داشتند. این جنبش دستاوردهای مهمی در زمینه پیوند کارگران شاهر و بیکار رو پیوندداد نشو - یان و دانش آموزان با جنبش کارگری داشته است. تجربیات حاصله در این مورد، چه در رابطه با رهبری جنبش توده ای، چه در رابطه با فعالیت های سندیکائی و چه در رابطه با خود جنبش کارگران بیکار، بسیار گران بها بوده است لیکن در این مورد هم ما نتوانستیم بین تجربیات را به جنبش انتقال دهیم.

در جهت سرنگونی آن می باشد.

۴ - الف: اعتقاد به اینکه ساخت اقتصادی کنونی جامعه ما سرمایه داری وابسته است

ب: انقلاب ایران در این مرحله دموکراتیک و ضد امپریالیستی بمثابه فاز اول انقلاب سوسیالیستی است.

ج: پرولتاریا نیروی عمده و اساسی انقلاب بوده و بورژوازی بعنوان یک طبقه ارتجاعی است.

۵ - ردمشی آوانتوریستی چریکی، به مثابه بینشی که ضرورت حزب و همزبونی پرولتاریا را نفی میکند

۶ - در زمینه برخورد به گذشته، کنگره اکونومیس (بی برنامگی و حرکت خود بخودی) را انحراف گروه تشخیص داد. در عرصه وظایف ثنوریک، گروه دچار استرویی بوده است، و بخصوص در مبارزه ایدئولوژیک به مثابه عرصه مهمی از مبارزه طبقه ای دچار کم کاری بوده است. کنگره حرکت مستقل گذشته را مورد نقد قرار داد و آنرا فاقد حقانیت ایدئولوژیک سیاسی ارزیابی نمود.

رفقای کنگره به به زیوانتقاد کشیدن مضمون خرده کاری را نه فعالیت گذشته، وحدت و مبارزه در جهت وحدت را وظیفه محوری گروه تعیین نمودند.

۷ - در زمینه چشم انداز آینده، گروه به بررسی وحدت نظر خود با نیروهای سیاسی برداشت، از آنجا که ما در ارتباطات پراکنده تا حدی در جریان مبارزه ایدئولوژیک درونی سازمان پیکار بودیم، و همچنین با اطلاع از نتایج کنگره رفقا، دریا فتمیم که کنگره با برخورد به انحرافات راستروانه گذشته سازمان، به دستاوردهای نوینی رسیده است، کنگره ما متفق القول دستاوردهای کنگره رفقا در برخورد به انحرافات گذشته، مواضع سیاسی و وظایف آینده را مثبت و درخشان ارزیابی نمود. انطباق با سیاست نزدیک مواضع ما دستاوردهای سازمان پیکار از یک طرف و مبارزه اصولی این رفقا در جهت برخورد به گذشته و ارتقاء جنبش کمونیستی از طرف دیگر، سبب گردید که کنگره، وحدت سریع و بلاد رنگ را با سازمان پیکار در دستور کار قرار دهد. همگی رفقا تقویت این جریان ایدئولوژیک را وظیفه نیروهای راستین کمونیستی دانسته و حرکت آینده

پیش بسوی مبارزه ایدئولوژیک ضامن وحدت جنبش کمونیستی

←
- رسای گروه در سخن دهقانی معادریه زمین و تشکیل شورای دهقانی شرکت فعال داشتند.

- گروه در منطقه "سا و جیلاغ" علاوه بر فعالیت در میان کارگران، تشکیل دانش آموزان مبارزو بدنبال آن تشکیلات هوا دار را سازمان داد. این رفقا در پیوند جنبش دانش آموزی بازحمت کشان فعالیت گسترده و خستگی ناپذیری داشتند - در رشت و چند منطقه دیگر گیلان و همچنین تبریز، رفقای گروه پیوند گسترده ای با زحمتکشان ایجاد کرده بودند

- در مورد نشریات، علاوه بر جری نشریات فابریک، گروه کارگری "صدای انقلاب" و نشریه دانش آموزی "ندای انقلاب" را منتشر می نمود.

رفقا! رزمندگان کمونیست!

در شرایط حساس کنونی، جمع بندی عملکرد گذشته ما، برخورد به ضعفها و انحرافات ما، فاسد سلامت حرکت آینده ما است. جنبش کمونیستی راهی کوتاه بیموده است و راهی دراز در پیش دارد. گذشته را با بدتوشه آینده سازیم.

تشکل ما بمنابر بخش کوچکی از بیکر جنبش کمونیستی ایران، حرکت گذشته خویش را در تشدید برآکنندگی جنبش، مورد انتقاد قرار میدهد. عدم حرکت فعال ما در مبارزه برای تقویت وحدت هر چه بیشتر صفوف کمونیستها و تکیه بر حرکت مستقل، نه در خدمت پرولتاریا، بلکه در جهت خرده کاری و پراکنندگی بوده است امروز مقایسه آنچه کرده ایم آنچه می توانستیم انجام دهیم ما را بر آن میدارد تا روح عدم رضایت از خرده کاری را که با تمام موجودات حساس میکنیم با صدای رسا اعلام داریم.

اگر چه درک ضرورت وحدت و مبارزه باطل آن عمیق تر گشته است، اما میان تجربه ما میتوان حد قابل برای آن نیروها بی کسه غلبه نمودن اشتن مرز بندی اساسی در جدائی خویش میگویند، موثر باشد.

آنچه در تحلیل نهایی، چنین انحراف را در ما سبب گردید، عدم درک ما از وظایف تاریخی ما بود. ما بجای آنکه بر اساس وظایف و مشکلات کل جنبش کمونیستی حرکت کنیم، مصالح و مشکلات تشکیلات خویش را مبنای حرکت قرار میدادیم، تعمیم دادن برخی موفقیتها در عرصه های محدود زبرآینک، ما را به محدودنگری سوق میداد. و ابعدوسیع وظایف سنگین کمونیستها را نادیده می گرفتیم.

از آنجا که حرکت ما نتوانست بطور هدفمند در راستای پاسخگویی به اساسی ترین ضرورت جنبش باشد، از آنجا که نتوانستیم هر حرکت خویش را در جهت تدارک ایجاد جذب، آگاهانه مشخص نماییم، نیروهای خویش را در جهار چوب تنسگ خرده کاری به بند کشیدیم، فعالیت رفقای ما غلبه می تلاش خستگی ناپذیرشان به سبب

آنکه مستنی برق انومندی و ضروریات جنبش نبود، نتوانست در جهت ارتقاء جنبش کمونیستی آنگونه که باید موثر باشد.

رفقا، حرکت خود بخودی غالب بر گروه ما و عدم حرکت از ضروریات کل جنبش کمونیستی، تنها به تشکل ما محدود نبوده است. امروز اگر چه درک وحدت صفوف کمونیستها و حرکت بسوی وحدت عمیق تر گشته است و تلاشهای موثری در این جهت صورت پذیرفته است اما همچنان جنبش از حرکتی نقشه مند در جهت ضروریات دوران تدارک ایجاد حزب محروم میماند. اینک دیگر زمان آن نیست که با بیان ضرورت اکتفا نمائیم با دیدگاه عملی برداشت.

اولا نیروهایی که در اصول برنامهای خود مرز بندی اساسی ندارند یا بدفعالانه در جهت وحدت تشکیلاتی خویش اقدام نمائند، هرگونه تعلل بهر بهانه و توجیهی محکوم به شکست خواهد بود.

ثانیا همه نیروهای کمونیستی با دیدگاه تدقیق خطوط اختلاف خویش مبارزه باید ثلوزیک فعالی را بطور هدفمند حول اصول برنامه های سازمان دهند. مبارزه باید ثلوزیک را با بدتوشه پیش از پیش از حالت خود بخودی خارج کرد و به شکل نقشه مند و متمرکز انجام داد.

ما با چنین درکی از وحدت و اعتقاد به ایجاد حزب طبقه کارگر نسبتا به فوری ترین و محوری ترین وظیفه کمونیستها بسوی وحدت گام برداشته ایم. از دیدگاه ما، وحدت ما و رفقای بیکار حلقه ای از وحدت صفوف کمونیستها و گامی کوچک در جهت تدارک ضروریات ایجاد حزب می باشد.

رفقا!

در مقابل جنبش کمونیستی ایران وظایف سنگینی و تاریخی قرار دارد. امروز اگر چه غلبه رویزیونیسم بر نهضت کارگری جهان صفوف جنبش کمونیستی جهان را دچار رشت و پراکنندگی گردانیده است، امروز اگر چه بیگانه های نیرومند رویزیونیسم و کارگران مستقیم و غیر مستقیمشان هر جنبش نوپای کمونیستی را مورد تهاجم باید ثلوزیک قرار میدهند، امروز اگر چه جنبش کمونیستی جوان ما با بدوش کشیدن عوارض انحرافات گذشته ناشی از سلطه رویزیونیسم، مراحل اولیه خویش را میگذرانند... اما ما بحران کنونی جهان امپریالیستی رشد و گسترش اوضاع انقلابی را نوید میدهد و در این میان، وحدت یابی شادهای جامعه و رو به رشد مبارزه طبقه ای، موقعیت خاص و بر سر جسته ای به کشور ما و جنبش توده های آن و بویژه پرولتاریای ایران میدهد. موقعیت و جایگاه که چشم انداز سرخ با شکوهی را نوید میدهد، چشم اندازی که مبارزه ای بی امان را از ما میطلبد. آری، برای غلبه بر ضعفها و نارسائیهای خویش برای متحد و متشکل گردانیدن پیروان طبقه کارگر در حزبی نیرومند، برای یالایبش

صفوف خویش از فرمیسوم و تنزلات رویزیونیستی، برای مبارزه بی امان بر علیه رویزیونیسم جهانی، برای برافراشتن پرچم ظفر نمون مارکسیسم - لنینیسم برای تحقق همونی پرولتاریا بر جنبش دموکراتیک ضامپریالیستی توده ها، برای تقویت و استحکام نترن سونال - ایسم پرولتری... یکدیگر را لازم است.

پس، دست بکار شویم رفقا! وظایف آینده و چشم انداز نوید بخش آن، مبارزه ای بی امان و خستگی ناپذیر را از ما میطلبد، بکشیم نایستی رسالتی را که تاریخ بردوش ما گذارده است داشته باشیم.

بکشیم حرکات هدفمند خویش را در راستای ایجاد حزبی رزمنده که دامنه دهنده بلشویسم باشد سازمان دهیم بکشیم همیشه مصالح دراز مدت و آرمانهای کبیر پرولتاریا را فراتر از هر چیز قرار دهیم.

پیش بسوی مبارزه باید ثلوزیکی بیگینرو هدفمند برای سلامت و وحدت جنبش کمونیستی! پیش بسوی وحدت صفوف کمونیستها! پیش بسوی پاسخگویی به جنبش اعتلا یا بنده طبقه کارگر توده ها! پیش بسوی ایجاد حزب کمونیست ایران!

"انقلابیون آزادی طبقه کارگر"

۵۹/۷/۱۵

بقیه از صفحه ۱۲ وظایف...

زیر کمیته دارای قابلیت های سیاسی و تبلیغی بود و با ذوق و خلاق باشد.

ب- کمیته امداد متشکل از رفقای خواهد بود که قدرت ارتباط گیری توده ای و توانائی رهبری و سازماندهی رفقای زیر کمیته را داشته باشند. در این کمیته رفقای که توانائی های شخصی در زمینه های پزشکی و... دارند، سازماندهی میگردند.

ج- کمیته تشکیلات - ویژگی این کمیته در قدرت سازماندهی توده ای، هدایت تشکیلاتی و قدرت رهبری مبارزات توده ای است.

د- کمیته هماهنگی متشکل از ارشدهای کمیته - ها میباشند که در صورت لزوم با یستی یکی از رفقای با تجربه تشکیلاتی در هدایت جمع شرکت نماید. این کمیته هم نظر که گفتیم نقش رهبری و هدایت عمومی کمیته ها را در راست و خطوط اساسی فعالیت کمیته ها با بدتوشه آن داده شود.

چند نکته مهم:

- ۱- در تماس گیری با آوارگان و سازماندهی آنان با یستی استخوان بندی کار ما را سازماندهی توده های زحمتکش و کارگردانان آوارگان (در عین جد نکردن کامل صفوف آنان از بقیه آوارگان) تشکیل میدهد. بدیهی است شرط مهم را بدیکالیزه کردن مبارزات آنان نیز همین است.
- ۲- از کلیه رفقا خواسته شود که در اجرای طرح فوق، برخوردی خلاق و منطبق با شرایط منطقه نموده و در ارتقاء آن بکوشند و در همین رابطه تجارب حاصله را برای ما ارسال دارند.

(قسمت هشتم)

مصاحبه با رفقا حسین روحانی و تراب حق شناس پیرامون تماس با آیت الله خمینی در نجف طی سالهای ۴۹ تا ۵۳

پیکار: هما نظور که می دانید آیت الله خمینی در روز چهارم تیرماه جاری، طی سخنرانی خود از ملاقات شما با وی (الستبدون ذکر نام) در نجف و بعدها آقای دعایی ضمن سخنرانی اش به مراجعات از این ملاقات در سال ۵۵ سخن گفت، از شما میخواهیم بنا دلایل و عواملی را که موجب این ملاقات گردیدند، توضیح دهید.

رفیق روحانی: بدنبال دستگیری وزندانی شدن تعداد بسیار زیادی از اعضای و هواداران سازمان مجاهدین در روز اول شهریورماه ۵۵ و روزها و ماههای پس از آن و در آستانه محاکمه آنان در بیدادگاههای رژیم آریامهری و احتمال و حتی قطعیت محکومیت اعضای رهبری و کادرها به اعدام، همزمان ما هم ما در داخل کشوری نامه ای خواستار آن شدیم که در اینبار رهسپار بیابان مربوط به جنبش انقلابی ایران و اوضاع جامعه با آیت الله خمینی، مذاکره نمود و حتی امکان کوشش خود را پشتیبانی هر چند ضعیف اونسبت به مجاهدین و حمایت از آنها و جنبش انقلابی ای که در ایران بتازگی پا گرفته بود، جلب گردد و در صورت موافقت اعلامیه ای در همین زمینه از طرف آیت الله صادر شود و این در شرایطی بود که عناصر مختلف از روحانیت مترقی در داخل کشور، موضع حمایت آمیز از مجاهدین داشته و تنها آیت الله خمینی بود که تا آنروز کاملاً سکوت اختیار کرده بود.

من و همزمان دیگر که در آن هنگام در خارج از کشور بودیم، نظیر رفیق تراب حق شناس، علیرغم جفا و بیعتی و تفکر التقاطی و مذهبی مان که بهر حال و بنحوی از انحاء ما را دچار خوشبینی نسبت به میزان پشتیبانی و حمایت آیت الله خمینی از مجاهدین و یا مواضع آنها مینمود، با توجه به اختلافات و مرزبندیهای مشخصی که با مواضع سیاسی و فکری آیت الله داشتیم و همچنین با تکیه تجربیات گذشته خودمان و مواضع و عملکردهای او در طول سالهای گذشته، از همان ابتدا چندان هم به نتایج ملاقات و مذاکره مان با آیت الله خمینی خوشبین نبودیم. از نظر ایدئولوژی، ظاهراً هم ما هم آیت الله خمینی به مکتب اسلام معتقد بودیم اما هر یک با برداشته خاص خود از این مکتب برداشتی که مشخصاً از موقعیت و منافع طبقاتی هر یک از ما ناشی می شد، آنچه که آیت الله خمینی بدان اعتقاد داشت بی کم و کاست همان بینش و تفکر اسلامی به مفهوم واقعی خودش بود و از همین رو همواره از اسلام در کلیت خود و در تمام اشکالش بطور دگم دفاع کرده و همچنان میکند. اما ما از اسلام برداشت خاص خودمان را داشتیم برداشت ما ایلیم از گرایش انقلابی ما و دفاع از منافع زحمتکشان بسود. آنچه را که ما از اسلام برداشت می کردیم، در واقع برداشتی التقاطی و دو ایستی بود که هر رنگ اسلام و مذهب را داشت و هر رنگ ما رکیسم و فلسفه علمی را.

که تا کون نخواسته اند) آنرا بپذیرند، اسلام آرزو ما (و تا حکمتری امروز اینها) متأسراً از فلسفه علمی و ما رکیسم که بدان علاقمندی و آری نشان می دادیم بود. درک ما از تکامل و پیدایش انسان و از تکامل اجتماعی و دورانیهای تاریخی آن، مبارزه طبقاتی، نقش تاریخی توده ها و مقولات اجتماعی دیگر، همچون مقولات فلسفی و اقتصادی درکی کاملاً التقاطی و ملغمه ای از اسلام و ما رکیسم بود و اینها هر متفکر مونیستی، خواه ما رکیست و خواه مسلمان بسادگی درک می کرد. ولذا تصادفی هم نبود که هم ما هم آیت الله خمینی در همان برخورد های اولیه متوجه اختلاف فاحشی که با یکدیگر داشتیم شدیم. مضافاً

و سایرین از داخل کشور و علاوه بر غم پیشنها دوا صرار رفیق ما جهت کمک به آزاد ساختن ۹ نفر از اعضای سازمان مجاهدین که پس از عملیات آزاد سازی بوسیله هواپیما، در زندان عراق، تحت شکنجه بودند و حتی امکان داشت به ایران تحویل داده شوند، کوچکترین کمکی به ما نکنند و به این بیانه که از سوی من اقدامی صورت گیرد، وضع آنها بدتر میشود! خود را کنار کشید و با سخنی به درخواستهای ما نداد!

آری، اینها تنها ما سا ثلی بودند که سرز بندی ما را در زمینه های مختلف با آیت الله خمینی روشن میکرد و هما نظور که قبلاً اشاره کردم هر چند که هنوز بدلیل حاکمیت بیعتی و تفکر

✱ **هما نظور که قبلاً اشاره کردم پذیرش قهر انقلابی و اعمال آن در قبال دشمنان توده ها، یعنی امپریالیسم و رژیم خائن و سرسپرد شاه، از جمله باورهای اصولی و محوری ما بود. در خط مشی و سیاست ما یک خط مشی و سیاست انقلابی (هر چند خرد بهر زوایای) بود. در همین رابطه آیت الله خمینی پس از سالها سکوت و مماشات در برابر رژیم خون آشام رضا خان و فرزند مزدورش محمد رضا پهلوی، مبارزه خود را با رژیم پهلوی از سال ۴۱، آنهم در چهار چوب یک مبارزه مسالمت آمیز شروع کرد.**

✱ **ما همواره روی این اصل که باید تمامی حقایق را با توده ها در میان گذاشت، تا کمی می ورزیدیم. ما چیزی برای پنهان کردن از کسی نداشتیم. بعکس ما در هر کجا و حتی در زندان، زیر شکنجه و میدان تیرا باز گو کردن اعتقادات و مواضعمان ابائی نداشتیم.**

بر اینک آیت الله بعنوان یک مونیست مذهبی متوجه التقاط فکری ما نیز شده بود. در زمینه مسائل سیاسی اختلاف میان ما و آیت الله خمینی بارز بود. همانطور که قبلاً اشاره کردم، پذیرش قهر انقلابی و اعمال آن در قبال دشمنان توده ها، یعنی امپریالیسم و رژیم خائن و سرسپرد شاه، از جمله باورهای اصولی و محوری ما بود و خط مشی و سیاست ما یک خط مشی و سیاست انقلابی (هر چند خرد بهر زوایای) بود. در همین رابطه آیت الله خمینی پس از سالها سکوت و مماشات در برابر رژیم خون آشام رضا خان و فرزند مزدورش محمد رضا پهلوی، مبارزه خود را با رژیم پهلوی از سال ۴۱، آنهم در چارچوب یک مبارزه مسالمت آمیز شروع کرد. اگر شما به مضمون و محتوای سخنرانی ها و اعلامیه های آیت الله خمینی در آن دوره و حتی بعدها مراجعه کنید، ملاحظه میکنید که او در شدیدترین نطق و اعلامیه های خود هرگز از نصیحت کردن و اندرز دادن به شخص شاه و یا سران رژیمهای اسلامی چون عربستان سعودی، اردن، هاشمی، مغرب، تونس، پاکستان و... کوتاهی نمیکند و از آنها میخواهد تا دست از ظلم و ستم نسبت به مردم کشورشان بردارند! علاوه بر اینها در پیوند بودیم که همین آیت الله خمینی در ملاقات خود با رفیق تراب حق شناس در آبان ماه ۴۹، علیرغم آنهمه توصیه آیت الله طالقانی

التقاطی و مذهبی بر ما، قادر به مرز بندی اصولی و همه جا نهد با آیت الله خمینی، مواضع و سیاستهای او نبودیم، معیناً اختلافات خود را با وی فراموش نکردیم و در برابر خود را و مطرح در خواستهایمان آنچنان دچار خوشبینی و خوشحالی نشدیم.

پیکار: ملاقات شما با آیت الله خمینی چه موقع و توسط چه کسی صورت گرفت و چه مدت به درازا کشید؟

رفیق روحانی: ملاقات من با آیت الله خمینی در نیمه اول بهمن ماه سال ۵۵ صورت گرفت و همانطور که میدانید و رفیق تراب هم برای شما توضیح داده است، این اولین ملاقات و تماس ما با آیت الله نبود. قبل از من و از نیمه دوم سال ۴۹ به اینطرف رفیق تراب بعنوان نماینده سازمان ما با آیت الله ملاقات و دربارها مسائل مختلف با ما میرده به گفتگو پرداخته بود. ملاقات من با آیت الله نیز در چهار چوب همین تماسها و ملاقاتها و با هدف بحث و گفتگو در باره مسائل مشخص و معین صورت گرفت. اینک گفتید تماس توسط چه کسی صورت گرفت، این کار عموماً چه در مورد من و چه در مورد رفیق تراب، توسط آقای دعایی که در آن دوره از جمله سمیای فعال ما در خارج از کشور بود

وا امروز خود را وقف خدا انقلاب کرده است، صورت می‌گرفت. ملاقات ما با آیت‌الله طایب‌الجلستات متوالی و هر بار ۲-۳ ساعت و در مجموع حدود ۱۰ ساعت بطول می‌انجامید، در همینجا با یادابن نگشترها هم‌اضا فکندیم که این ملاقات و همچنین سایر ملاقات‌های ما با آیت‌الله، با توجه به تنش و موقعیت اجتماعی مجاهدین خلق و تاشیری که این ملاقات‌ها و نتایج آنها می‌توانست بر روی هواداران آیت‌الله بگذارد، نمی‌توانست مورد توجه آیت‌الله خمینی قرار نگیرد و یا از آن بسادگی چشم‌پوشی کند.

پیکار: درس‌سلسله ملاقات‌های شما با آیت‌الله خمینی داشتید چه مسائلی مورد بحث و مذاکره شما قرار گرفت؟ مسایل محوری را همراه با توضیحات بیشتری برای ما بازگو کنید.

رفیق روحانی: روشن است که طی چندین جلسه و جمعا ۱۰ ساعت مذاکره، مسائل ریز و درشت مختلفی مورد بحث قرار گرفت. شیوه کار ما چنین بود که ابتدا من مسئله مورد نظر را طرح می‌کردم و در باره آن توضیحات لازم را میدادم و در پایان نظر آیت‌الله را در باره این مسئله جویا میشدم. آیت‌الله نیز بر خلاف آنچه که تا کنون ادعا شده که ایشان سکوت میکردند نظر خود را نسبت به یکایک این مسائل و لایحه اکتفا میداد.

از نظر ما اصولی این بود که قبل از هر چیز و طرح هرگونه درخواستی، نظرات و مواضع سازمان مجاهدین را که ما نماینده آن بودیم، برای آیت‌الله خمینی به تفصیل توضیح دهیم تا جای هیچگونه ابهامی موانع کالی در موضع گیری آیت‌الله نسبت به ما و یا درخواست‌هایمان باقی نماند. همواره از سوی خود آیت‌الله و سایرین کوشش شده است تا با مردم تلقین شود که ما قصد فریب آنها را داشته ایم و این، آنها موافقانه ای بیش نیست! چنین شیوه‌ای نه با ایدئولوژی و نه با عملکرد انقلابی ما در طی سال‌ها دراز در مقابل ما رژیم سفاک پهلوی خوانایی نداشته. ما همانطور که به کرات در بحث‌های خود با آیت‌الله خمینی یادآور شدیم و در همین مصاحبه مسن بدانها خواهیم پرداخت.

ما همواره روی این اصل که با ایدت‌ما مسی حقایق را با توده‌ها در میان گذاشت، تا کیدمی - ورزیدیم. ما چیزی برای پنهان کردن از کسی نداشتیم. بعکس ما در هر کجا و حتی در زندان، زیر شکنجه و میدان تیرا زبا زگو کردن اعتقادات و مواضعمان ابایی نداشتیم. حال اگر آیت‌الله خمینی و سردمداران حزب جمهوری اسلامی نسبت به گذشته خود چنین احساسی دارند ایسن دیگر ما مربوط نمیشود. این خود آنها هستند که با ایدیه توده‌ها یا سخ دهنده که جرابا بددر برابر جوانانی که سن آنها حداکثر سه سال میرسید و به اقرا صریح خود آیت‌الله و سایرین به قرآن و شهبخ البلاغه آشنا تر و مسلط تر از آنها بودند این همه دجا و عجز و انفعال شوند و بدتر از آن در

توجه این انفعال خود، به آنها ماتی پایه و بی مایه و متالیای عوام فریبانه‌ای نظیر - عالم همدانی و آن مرد بیهودی " دست بزنند!

من در توضیحات بعدی خود مودریا سخ بسه این سوال شما به این نکته خواهم پرداخت که درست بعکس، این آیت‌الله خمینی بود که جدر همان زمان ملاقات ما و جها امروزه حاضر نبوده و نیست که حقا بقا مربر مردم روشن شود. چرا که در یرنوا این حقایق دیگر جایی برای حکومت - ولایت فقیه " باقی نمی ماند و از همین رومناغ

طبقا شی و حاکمیت سیستمی که وی در آن نفسش فعالی دارد، با جابا می‌کنند که همواره با تاشقی انوار آگاهی به مبارزه بر خیزد و مانع از دست - یایی مردم به واقعیات جابا معده کرده. بهرحال من با پیروی از همان اصلی که در بالا اثار کردم جها از طریق توضیح شفا هی و جها از طریق در اختیار گذاشتن جزوات آموزشی سازمان نظیر "راه انبیا" و "امام حسین" کوشیدم تا مواضع ایدئولوژیک و سیاسی سازمان مجاهدین را به تفصیل برای آیت‌الله خمینی روشن نمایم. ادا مده دارد.

خطرات...

۱- فرماندهان و سران مزدور (که البته اکنون دیگرنا بوده اند و وجود ندارند!)
۲- پرسنل انقلابی و کسانی که بده انقلاب موسن هستند.

۳- کسانی که نسبت به همه چیز بی اعتنا هستند ما اگر اینها را انقلابی کنیم، دیگر ارتش ما مردمی و خلقی میشود!

سخنران با کمال مهارت مسائل را با هم قاطی میکرد و نتیجه می‌گرفت. او این واقعیت را پنهان می‌کرد که ارتش یک سیستم است و خوبی و بدی این سیستم از روی عملکردهای آن قضاوت می‌شود و اینگونه در خدمت چنانچه می‌قرار دارد و در راه هدفتی بکار میرود، اوستی می‌کند و بگوید که اگر تک تک سربازها و درجدها را خوب باشند ارتش خلقی خواهد شد. درست مثل آنکه بگوئیم چون در زمان شاه اکثریت ارتش از فرزندان زحمتکشان تشکیل میشد پس دستگای بود در خدمت زحمتکشان!

بعدا ز سخنرانی با سری سنگین به آسانگاه برگشتم به چهره‌های سربازان منگوریم. و اینگونه چگونگی میشود با اینگونه تبلیغات با اصطلاح آنها را از بی اعتنائی " بدر آورند بیه معنای واقعی، یعنی آنکه در دل آنها آن آتش کینه‌یی با بهر نسبت به برادران کردشان بر - افروزند، و آنها را بدشمنی با خلق کرد و ادرند حال آنکه شب و روز از مبارزه بر علیه امریکسا و عراق دم می‌زنند! (ادا مده دارد)

تبلیغ...

" ما با ایدفکرا سخا می را که فقط از شرایط موجود در داندگاه‌های و با فقط آزمون - ها و غیره تاراضی هستند، به بوج و بیسی مصرف بودن تمام این نظام سیاسی سوق دهیم ". (۲)

بدین ترتیب شناخت ما رکیستی اصلی - ترین نیاز توده‌ها و متمرکز کردن تبلیغ بر روی آن، بسا رجا ترا اهمیت است اگر ما نیکند نیاز توده‌ها مثلا یا سخ روشن بله مسئله جنگ ایران و عراقی است، از یا سخ روشن و صریح به آن سر - با ززنیم و یا زما نیکه نیاز توده‌ها شرکت در قیام است، در مورد مسئله دیگری سخن بگوئیم و یا زما نیکه توجه توده‌ها به مسائلی مانند واقیع

دانشگاه (اول اردیبهشت) و یا کردستان معظوف شده است، به آن بی توجهیم، نیاز توده‌ها را مثلا در مورد قطع سود ویژه، بهیح بگیریم، طبقا نمی توانیم رهبری مبارزه طبقا تسی توده‌ها را درست بگیریم، ما با ایدیه همه مسائل توده‌ها یا سخ بگوئیم و همه نیازه‌ها یا سخ را مورد بررسی قرار دهیم، تا آنها همه با جا ما را در کتا رخود ببینند. در یک کلام، تبلیغات با یستی شامی جوانب اساسی مبارزه طبقا تی را منعکس سارد.

در عین حال که ما با یستی همواره نشان دهیم که اساسی ترین مسئله توده‌ها چیست و تبلیغ خود را بر روی آن متمرکز کنیم، توجه نکردن به برخی مسائل توده‌ها و یا توجه بموقع نکردن چیزی توجیبی به مبارزه طبقا تی معنای دیگری ندارد. چیزی که تا دیروز مسئله اساسی تبلیغ بوده است افراد دیگر نیاشد. فرض کنیم در روز اول مهر، مسئله اساسی تبلیغات مربوط به مبارزات دانش آموزی است، اما با حملسه عراق، نیازه‌های اساسی نری برای توده‌ها مطرح میشود، در قبال جنگ جها بدکرد آنها بدنبال این هستند که یا سخ درست را بشنوند و طیفه کمونیستی است که به این مسئله اساسی توده‌ها یا سخ گویند. در چنین شرایطی مسئله اساسی مرود تبلیغ دیگر تغییر میکند، اگر چه شود، اما ما نیاید این مسائل، مسئله اصلی را تحت الشعاع قرار دهد.

در اینجا با یستی پیچیدگی خاصی وارد مد نظر قرار داد، فرض کنیم ما مشغول تبلیغات انتخابی هستیم و در این ضمن رژیم، ترکمن صحرا را به خون میکشد، در اینجا مسئله درست اینست که بیای هر یک را دریا فته و از آنجا که هر دو مسئله، نیاز توده‌ها هستند نیروی خود را برای تبلیغ در هر دو مورد بددرستی تقسیم کرد. با یسد در هر مقطع تاریخی اساسی ترین مسئله توده‌ها را تشخیص داد، در عین حال که برای مسائل مهم دیگر نیز با یستی نیز و گذاشت. اگر تبلیغ را بر روی نیاز توده‌ها متمرکز سازیم به سرنوشت همان فردی مبتلا میشویم که در تشییع جنازه هم بسه با زما ندگان میگفت: خدا به کارتان برکت دهد و هر چه بریدت‌ما من شود. حال آنکه مردم نیاز به تسلیت شنیدن داشتند!

نگاهی به:

جنبش کمونیستی
در عراق و خیانت
رویزیونیستها



بدرج به ساخت و ساخت با رژیم جدید عراق
با آن منجر شد تا هم در کن و فوس با آن جنبش
سیاسی موجود، زمانی با کمونیستها علیه احزاب
دیگر زمانی با احزاب دیگر علیه کمونیستها
محدید.

رویزیونیستها که بدرج سلط خود را بر
رئیس حزب سگم نکردند، در عراق
کمونیستها و نیروهای دموکرات عراق توسط
رژیم دربرابر تسلط عناصر ارتجاعی بر مواضع
حساس کشور بخصوص ارتش، دربرابرنا دیده
گرفتن حقوق ملی خلق کرد تا یوزوازی حاکم
ساز کردند، رویزیونیستها سوابقی که برای
کمونیستها جهت بدست گرفتن قدرت فرا هم بود
با دیده گرفتند و بدیده ها کدی گفتند: "حزب
کمونیست باید قدرت سیاسی را بدست گیرد تا
منبت می دادند. آنها در پی دست یافتن به
برخی از خواسته های جزئی و اصلاح طلبانه بودند
کننده می نمودند و رویزیونیست های عراقی برای
آنکه به دولت فشار برنا ورنده آنها را در کارها
ترکت دهد از تشکیلات سرب خود در ارتش خواستند
کدبه "شورای انقلاب" نام نه نوشته و از آن جنبش
درخواستی را بنام بندو همگی آنرا امضاء نمایند.
بدین ترتیب نام مرتب ۵۵ نفر از تشکیلات
نظامی حزب برای دولت لورفت و در نتیجه آنها
اخراج و یا به زندان افتادند!

خط منی رویزیونیستی، فرست طلبانه و
اصلاح طلبانه حاکم بر حزب در کودتای ۸ فوریه
۱۹۶۲ نیز سازش را بر مبارزه ترجیح داد. این
کودتا - همانطور که در مقالات قبل گفته ایم - با
منارکت اساسی بعثت و طرفداران نامرتب و بی
بیوست و موجب گشتار فوج کمونیستها و نیرو -
های دموکرات عراقی شد. شونده های حزب حاضر
به تسلیم نبودند و چند ماه پس از کودتا یعنی در
سوم ژوئیه همان سال یک شورش از سوی اعضا و
هواداران حزب در ارتش علیه رژیم سرکوبگر
حسن البکر - عبدالسلام عارف بوقوع پیوست که
نشان دهنده زنده بودن جنبش در بین توده ها
بود ولی رهبری رویزیونیستی دست از غلط
نکرد! و شورش بنحویستی سرکوب شد. شریبا
یکسال بعد یعنی در ژوئیه ۱۹۶۲ حزب رویزیونیست
عراق علنا حمایت خود را از رژیم عارف که مسبب
آنهمه جنایات فاشیستی علیه توده های خلق و

در ادامه مخالفانی که حزبک جسدای
از جواسب حیات اقتصادی و سیاسی عراق
را مورد سحت قرار میداد، در سار و کدند
از نظیر جنبش کارگری و کمونیستی و
سهمی که این جنبش در مبارزه دموکراتیک
و ضد امپریالیستی خلقهای عراق ایضا
کرده است، با ختم رخ کنتم. لازم است
خاطر نشان کنیم که بدلیل کمبود مدارک
تحلیلی و تحقیقی موثر نظیر سرجود
بودن صفات بیگانه از این مثال آن نظیر
کدام استند است در مبارزاتی آوری
ولی آنرا بعنوان یک مشکل و فتح نام
مستثنی دادیم. اینک ادا مدحت
سما ره پیش را میخوانید:

تا سال ۱۹۵۸ که رژیم سلطنتی در عراق
واژگون شد کمونیستها هم از ادبای دیگر نیروهای
انقلابی و دموکرات به مبارزه علیه امپریالیسم
انگلیس و رژیم دست نه و تحت الحما به آن
ادا مدیدند، کارگران و توده های زحمتکش
شهرها و دهان را سازماندهی میکنند و بخش جانی
و عین گندهای در اعصاب و نظا هرات
نوده های ایضا می نماید. مثلا در اکتبر ۱۹۵۲
احزاب سیاسی مترقی عراقی "از دولت خواستند
که تا نون انتخابات را تغییر دهد و بیجاسای
انتخابات غیر مستقیم، سیستم انتخابی مستقیم
را برقرار کند. این احزاب همچنین خواهان لغو
پییمان مشترک عراق و انگلیس، رد بیستنه دیمان
دفاعی مشترک و ملی کردن صنعت نفت (تحت
تا غیر تجربه مدعی) شدند" ولی دولت، حاضر به
قبول این خواسته ها نبود. در روز ۲۲ نوامبر همان
بداوج رسید زیرا حدود ۲۰ هزار نفر که بیشتر
داشجویان سلاحهای گوناگون مسلح بودند، به
نمایندگی خیابانی بردا چند دست به پای بودی
اموال آمریکا تپها و انگلیسی ها زدند" (۱)
کمونیستها در عین منارکت نعالانه در این قیام
به سازماندهی تشکیلات دانشجویان، زنان،
اتحادیه دموکراتیک جوانان و اتحادیه های
کنا و زنان بردا ختدوا عصاب سیاسی کارگران را
در بایگاه "حبا نیه" رهبری نمودند. کمونیستها
در بین ارتش نیز تشکیلاتی قابل توجه بوجود
آوردند.

در ۱۲ ژوئیه ۱۹۵۸ که با کودتای عبدالکریم قاسم
رژیم سلطنتی واژگون شد، کمونیستها از جهان
قدرت توده های برخوردار نبودند که رژیم جدید
بهیچ وجه نمی توانست آنها را نادیده بگیرد.
گرایش های رویزیونیستی که از ۱۹۵۶ به بعد در
داخل حزب کمونیست عراقی سبز خنه کرده بود

(۱) نقل از کتاب "در خاور میانه چه گذشت؟" صفحه ۲۷۷

کمونیستها بودا بر زدا ست وظی بیا نیه خود
برنامه های اقتصادی رژیم عارف را "کامی در
راه سوسالیم" نامید با حدور این بیا نیه
رهبری حزب که تحت فشار توده های تشکیلاتی
پس از کودتای عارف (سال ۶۳) مجبور شده بود
خط منی سرنگونی رژیم را تپروسیله ممکن
تمویب کند، راه خود را پیش از پیش از توده ها
جدا کرد و این موجب اولین انشعاب در درون حزب
گردید.

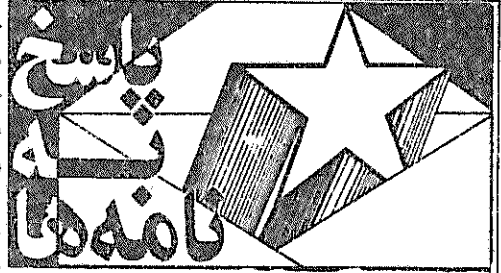
پس از این انشعاب، برخی از اعضا، حزب
را رها کرده و برخی دیگر با اتحاد مضمی منقل
در حزب مانده بودند، انشعاب تحت نام "حزب
کمونیست عراق - کمیته انقلابی" صورت گرفت.
این انشعاب عمدتا با رژیم رهبری حزب
مرزبندی منکر دو با موضعگیری آن در قبال
بوزوازی و حاکمیت آن مرزبندی می نمود.
مسائل مورد اختلاف دیگر عبارت بود از: شیوه
های پیشبرد مبارزه و مسائل متعدد ملتی و
اشرنا سونا لیستی، این انشعاب همچنین
نشان داد که حل اختلافات درون حزبی از طریق
دموکراتیک درون تشکیلاتی عملی نیست و
بوروکراسی بر سر اسرار کارهای حزب حاکمیت
راست است.

اما این انشعاب علیرغم جنبه های انقلابی
و مترقی آن تا حدودی دارای جنبه خود بخودی
بوده، با رویزیونیسم مرزبندی نداشت و برنا مه
سیاسی روشنی را در رابطه با طبقه کارگر و جنبش
دموکراتیک ارائه نمیداد. اینگونه ضعفها موجب
شد که به مسائل تئوریک کمپنها داده شود، خرده -
کاری و پراکنده کاری و لیبرالیسم در تشکیلات
عمومی باشد، جاسوا ن رژیم به داخل تشکیلات
رخنه کند و برخی از افراد را در حیات افتد و
به جنبش صربه های سخت وارد آورد.

مبارزه ایدئولوژیک درون این تشکیلات
(ح.ک.ع، کمیته انقلابی) در شرایطی که جنبش
کمونیستی از جهت هم از سوی رژیم حاکم و هم از
جانب خیانتی رویزیونیستها در معرض ضربات
در دناگ فرا ردا ست، ادا مایافت و رهبری مورد
انتقاد شدید قرار گرفت و سرانجام در سال ۶۷ با
تصفیه عناصر فرست طلب، درون "کمیته انقلابی"
"حزب کمونیست عراقی فرماندهی مرکزی" بوجود
آمد. آرا که برنا مه سیاسی روشن تر، مرزبندی با
رویزیونیسم، جهتگیری به سمت فعالیتها ی
نوده ای و پیوند با جنبش طبقه کارگر و تملیق کار
مخفی و علنی را در دستور گذاردن از ویژگیهای
تشکیلات جدید بود. حزب در مورد جنبش ملی عربی
و مساله حمایت از جنبش مقاومت فلسطین و
همچنین مسئله حقوق ملی خلق کرد نیز بیطصور
مشختری موضعگیری کرد.

گروه های دیگری که پس از این انشعابات
در بین اعضای سابق حزب بوجود آمدند یکی
بقیه در صفحه ۸

تجاوزات فاشیستی عراق به خلقهای ایران و بمباران مردم عراق توسط رژیم جمهوری اسلامی را
محکوم می کند



جرا شعار

جمهوری دمکراتیک خلق را تبلیغ میکنیم؟

رفقای بسیاری از ما پرسیده اند که چرا ما شعار "برقرار جمهوری دمکراتیک خلق" را تبلیغ میکنیم؟ یا این شعار در این شرایط با ذهنیت توده‌ها منطبق است؟ یا طرح آن چپوانه نیست؟

در پاسخ باید گفت نه! شعارها در شرایط گوناگون نقشهای متفاوتی را ایفا میکنند. شعار ترویجی با شعار تبلیغی و شعار رتبلیغی با شعار رتبهیبیجی و این آخری با شعار روره نمود عملی تقابوت دارد. هرکدام از آنها در شرایط خاصی از جنبش میتواننند نقش متفاوتی ایفاء کنند.

فی المثل در دوران رکود جنبش در سالیان گذشته، شعار سرنگونی رژیم شاه یک شعار ترویجی بود و مستواتست یک شعار رتبلیغی گسترده باشد و طبعا این شعار نمیتوانست در اعلامیه‌های تبلیغی - توده‌ای نقش برنده داشته باشد. اما در دوران آغاز انقلابی جامعه ما که در آن

تنظرات و مبارزات توده‌ها با لگرفت در موقعی که مردم خفته بیدار میشدند و سورا انقلابی در آن فزونی میگرفت، در این شرایط شعار سرنگونی رژیم به یک شعار رتبلیغی گسترده بدل گشته بود و ما آنرا میتوانستیم در سطح وسیعترین توده‌ها تبلیغ نمائیم. در شرایطی که انقلابی رو به اوج بود و بتدریج موقعیت انقلابی پدیدار میگشت، شعار سرنگونی رژیم، به یک شعار رتبهیبیجی تبدیل شده بود، دیگر در نظرات توده‌ها گسترده و توده

ای میتوانستیم توده‌ها را حول این شعار به تشییح و حرکت درآوریم و آنها را بسیج نمائیم. در دوران موقعیت انقلابی شعار سرنگونی رژیم دیگر بیک شعار عملی بدل گشته بود، موقعیت انقلابی برقرار بود و سرنگونی رژیم شاه امری عملی بود که با دیده تدارک و سازماندهی توده‌ها برای به اجرا درآوردن آن اقدام مینمودیم و در همین رابطه تبلیغ مسلحا نه در دستور روز قرار میگرفت. لنین در برخورد به انقلاب اکتبر می

گوید: "اگر چند روز دیگر ترره نمود قیام را بسرای سرنگونی رژیم بورژوازی طرح می نمودیم، یقینا انقلاب شکست میخورد، چنین است که اگر نتوانیم، انواع شعارها را درک نموده و هرکدام از آنها را در شرایط مساعدش بکار ببریم میتوانیم به انحرفات آن ریشستی یا اکونومیستی در غلطیم فی المثل تبلیغ مسلحا نه در دوران رکود جنبش توده‌ها، آنرا ریشم و ما چرا جوئی محض است و ناگزیر گروه تبلیغ کننده را به دسته جدا از توده بدل مینماید، چنانکه این امر مثلا در مسورد

جریکهای فدائی در دوران رژیم شاه صادق بود. همچنین در دوران موقعیت انقلابی حاکم بصر جامعه ما، عدم تبلیغ مبارزه مسلحانه و محدود نگاه داشتن مبارزه و شعارها در سطح اقتصاد و سیاسی در حالیکه توده‌ها فرسنگها از آن جلوتر میباشند، حرکتی اکونومیستی و عقب مانده است همانگونه که این انحرفات را ما در اکثر نیروهای خط ۳ در زمان فیما مینا هدیو دیدیم. در مورد شعار جمهوری دمکراتیک خلق، باید بگوئیم که در شرایط افت و رکود جنبش این شعار جنبه ترویجی دارد، اما در شرایط اعتدال، جنبش که توده‌ها دارای روحیه سیاسی هستند و با فروریختن توهمنان از رژیم جمهوری اسلامی، بدنیسال آلترنا تیبو دیگری میگردند، بی شک تبلیغ آلترنا تیبو شعار جمهوری دمکراتیک خلق از وظایف محوری مملهاست و برخلاف درک رفقای جریکهای فدائی (اقلیتی) به تنها این "چرب" روی شپرد، بلکه بر خورد عملی نسبت به شرایط موجود (اعتدالی انقلابی و روحیه سیاسی توده‌ها) بسبب شد. ضرورت تبلیغ این شعارها اکنون جزو برنامهد سیاسی کمونیستهاست. عدم تبلیغ این شعار را مری اکونومیستی بوده و در شرایطی که توهمن توده‌ها بصورت گسترده فرو میریزد، عدم ارائه و تبلیغ این آلترنا تیبو برای ارتقاء آنها امری را ستروانه محسوب میگردد. بدینسان لحاظ تبلیغ این شعار در جنبش شرایطی بصورت بسیار گسترده و تبلیغی، یگانه شعار صحیحی است که میتواند در مبارزات طبقه و توده‌ها را در راه پیشبرد مبارزه سیاسی کمونیستها ارتقاء دهد.

رفقای "هسته تلاش" در اصفهان

نامه شما سپر ما را که رگرا نقدرتان بدستمان رسید! رفقا! زاینکه دست به جمع آوری مقالات پیکار مربوط به لیستان و چاپ آن بصورت جزوه زده اید، جای بسی خوشحالی و امیدواری است. با اینهمه ذکر چند نکته را در رابطه با رهنمودهایی که خواستید، لازم می دانیم:

- ۱ - رفقا! که در منظم با یک تشکیلات وظیفه مملهاست. چه بدین طریق از خردکاری، استسلاف انرژی و پراکنده کاری جلوگیری میشود. بسک تشکیلات بیگرم ممل که دارای تئوری، برنامه، سیاست، رهنمود، تقسیم کار درونی، سلسله وظایف متعدد و پیچیده و دارای ارگانهای گوناگون است، هم در عرصه سیاست و هم در عمل بهتر میتواند از هسته‌های کوچک و محدود که فاقد شرایط نامبرده است، فعالیت نماید. وظیفه هسته‌های ممل که در ارتباط تشکیلاتی قرار دارند، اینست که هر چه زودتر در سایه مبارزه ایدئولوژیک فعال و مرز بندی با انحرفات درون جنبش کمونیستی با پیگیریترین جریان جنبش کمونیستی ارتباط برقرار نمایند.
- ۲ - رفقا! درست است که انتشار مقالات مربوط به لیستان توسط شما تا شیر خوبی در تبلیغ و ترویج وظایف سازمان دارد، ولی انتشار نوشته‌های ترویجی بصورت جزوه، اگر مدتی هم

از آن بگذرد چندان کهنه نمیشود، در حالیکه نوشته‌ها، اعلامیه‌ها و مهمتراز همه خود نشریسه پیکار که ارگان تبلیغی - سیاسی است، اگر بیکهفتها از آن بگذرد کهنه نمیشود. از اینرو رفقای هوادار با یستی در درجه اول به تکثیر و توزیع سریع اعلامیه‌ها، تراکت‌ها و پیکار و سایر قسمتهای از آن اقدام کنند و بتواتر در این فعالیت تبلیغی که بصورت گسترده تر از ترویج است و با بد منظم تر و سریعتر صورت گیرد، سازمان را یاری رسانند و بیژده که در شرایط خفان فعلی همراه با محدودیتها، چایی، مالی و توزیع، میدان تبلیغ ما علیرغم جنبه محوری آن محدود گردیده است.

۳ - از جمله فعالیتها دیگری که شما میتوانید انجام دهید، الف - انتشار اعلامیه‌های سطحی بنام هواداران است که بدین ترتیب در منطقه خود، حضور مادی خویش را نشان داده و بتواتر، در تبلیغ و ترویج سازماندهی و هدایت است مبارزات توده‌ای منطقه موثر واقع شوید.

ب - در کنار تکثیر و توزیع اعلامیه‌های تبلیغی، تراکت و سایر قسمتهای از پیکار، بزرگ نویسی مطالب کوتاه پیکار و تراکتها، شعار نویسی و... از جمله فعالیتها تبلیغی است که بیژده در این شرایط نقش برجسته‌ای در تبلیغ دارد.

ج - ارسال اخبار و گزارشات و... از مبارزات طبقه کارگر و توده‌ها برای پیکار از دیدگاه وظایف مهمی است که شما میتوانید انجام دهید.

۴ - شرکت فعال در مبارزات روزمره توده‌ها، ایجاد هسته‌های کمونیستی در میان آنان، تلاش در جهت رهبری تشکلات توده‌ای و... از جمله وظایف کمونیستهاست. در کار خا نجات و نوسانی کندانم برده اید ایجاد هسته‌های کمونیستی، تبلیغ و ترویج مواضع سازمان، بخش هر چه بیشتر پیکار در آن موسسات، کمک دیگری است که شما میتوانید در راه آن پرولتاریا انجام دهید.

۵ - جمع آوری و ارسال کمک‌های مادی یکی از وظایف مهم دیگری است که شما میتوانید پیگیری آن را در اقدام نمائید. بیژده در شرایط فعلی که سازمان از نظر مالی در مضیقه است، این امر از ضرورت بیشتری برخوردار است دست آخر رهنمودهای عملی مشخص و وظایفی که با دیدبان پرداخت را میتوانید از طرفی با برقراری ارتباط تشکیلاتی با رفقای سازمانی ما در آنجا و همچنین از طریق صفحت (وظایف عملی ما، رهنمودیه‌ها و داران و سایر بخشها با رفقا و... بطور مرتب در یافت کنید.

رفقا! منتظر انتقادات و پیشنهادات و نامه‌های دیگران هستیم!

بیروزیبا شید

نامه یك رفیق کارگر به سازمان

اخیرا نامه‌ای از طرف یک رفیق کارگر بدست ما رسیده که ما بدلیل اهمیت آن قسمتهای از نامه را با برخی تصحیحات جزئی انشائی در بقیه در صفحه ۲۲

ملاحظات کوتاه

خودشویبار، اسمشونیبار!

قضیه تجدیدرا بظه با "شیطان بزرگ" و حل مسالهای بنا م "گروگانها" که روی دست رژیم باد کرده است بجای های "هیجان انگیز" خودرسیده است. "ول میکسیم"، "ول نمیکسیم"، "اگر"، "مگز" و "توبه"، "تکامل معنوی آمریکا"، "قطعات بیدگی"، "غلطی نمیتواند بکند"، "وجزاینها در فضا طنین انداز است ولی در باطن، چون در این نظام اقتصاد سرمایه داری و وابسته چاره ای برای رژیم جمهوری اسلامی جز تجدیدرا بظه با میریاب لیستها وجود ندارد، عملا همان راهی را میروند که ظاهرا آن را نفی میکنند. لیبیرالها با دشمنان گردومیشکنند که "دیدید ما راست میگفتیم!" و... حتی آیت الله منتظری هم از عدم حضور نمایندگان مجلس برای حل و فصل قضیه گروگانها انتقاد میکند. این قضیه را بباید دیدا وردکده میگویند: خانی درسرا دهه کاروانسرای شکی وارد شد. هوا سرد بود. پتولوحاف خواست. ولی نداشتند. وقتی اصرار کرد، کاروانسرای گفت: "آقا، ببخشید، پتولوحاف نداریم ولی جمل (پالان) داریم". خان برآشت و او را دشنام داد. شب هوا خیلی سرد شد و خان داد کشید که پتو بیار، لحاف بیار، بوکا روانسرای جواب داد آقا گفتند: "آقا، چیزی دیگری که شربگفتی بیار ولی اسمش رانبار!"

سرهنگ مؤذن و

فیلمی که رژیم در آورد!

در هفته پیش یک روضه خوانی نوع جدید برسر "کورشن چشمای سرهنگ مؤذن در تلویزیون و مطبوعات به راه افتاد، بعضی دلدار و البته تریک (!؟) گفتند بعضی دیگر چشمایشان را خواستند و هدیه کردند، یکی برای او شعر گفت و یکی دیگر... جناب سرهنگ مؤذن که بقول خودش ۲۵ سال است افسار ریش بوده (یعنی از فردای ۲۸ مرداد افسر شده!) و با گفتن "شایدتین" بصورت یک "حز" تمام عیار "آزاد در آمده، در مدح چهره سری اسلامی و فدائیکاری برای اسلام و ایران خیلی داد سخن داد ولی نگفت کدوقتی در سالهای گذشته در آرد و دوم ریش کار میکرد که چرا نزد همکارانش قسمی خورده است که حاضر است زن و بچهایش را پیش پای شاهنشاه سربرد!

او همچنین پرده زاین را معجزه آسا که در دوران جمهوری اسلامی می تواند تفتابی بیفتد بر انداخت که اگر چشمش - چنانکه میگویند - مورد ضربت ترکش بمب و خمپاره ترا رگرفتند

نشریه، برگزاری نما یسکا هو...)

۴- نقاط مثبت و نقاط ضعف کار "عنصر آکا ه".

۳- برخورد نیروهای سیاسی مختلف نسبت به مبارزه کارگران (موضعگیریها نشان نسبت به مبارزه، نقششان در مبارزه، همکاری آنها با یکدیگر...)

۱۲- پایان مبارزه و چگونگی تمام شدن آن:

۱- عقب نشینی کارفرما و دولت و پیروزی کارگر - ان (نسبی ویا کامل در آن مقطع) یا شکست مبارزه.

۲- در صورت پیروزی، نقش عناصر آکا ه در پیروزی رساندن مبارزه و تشکل کارگران.

۳- در صورت شکست، نقش عناصر آکا ه چه بود؟

۴- نقش عناصر نیروهای سیاسی خائن و سازش کار... در به سازش کشاندن، جلوگیری از پیروزی کامل و بیا به شکست کشاندن مبارزه.

۵- نقش ارگانهای سرکوبگر (پاداران، ارتش و... در ورود ریشی با کارگران.

۶- نقش تشکلهای زرد (انجمن اسلامی و... در جریان مبارزه.

۷- نقش سخنرانیهای تحمیلی کننده آخوندها، کارفرما و مقامات دولتی در مبارزه.

۱۳- مشخص کردن ضرورتی که کارگران در جریان مبارزه پیدا میکنند، نظیر ایجاد صندوق اعتصاب، ارتباط گیری با کارگران سایر کارخانهها برای تشکیل اتحادیه...)

۱۴- موضعگیری و نقش مهندسین، کارمندان ارچه خواستهای پشتیبانی و با کد میسک مخالفت داشته اند و چرا؟

۱۵- تا تیر موضعگیری آنها در مبارزات کارگران، دستاوردهای مثبت و منفی مبارزه.

۱- نقاط قوت و ضعف مبارزه را در تمامی دوره آن تشریح کنید و به ویژگیهای اشاره کنید.

۲- ارزیابی و تحلیل از روحیات کارگران در هر دوره از مبارزه.

۳- در صورت شکست مبارزه، علل آن تحلیل شوند.

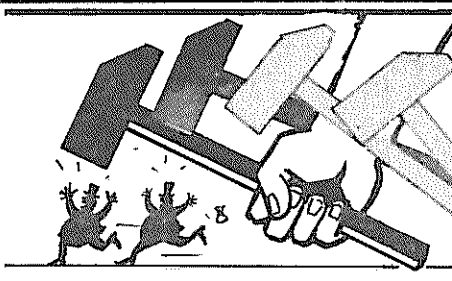
۴- مشخص کردن برخوردها و حرکتیهای "چپ" و راست در هر دوره از مبارزه.

۵- دستاوردهای مثبت مبارزه را شرح دهید.

۶- تا تیر این مبارزه در حرکتیهای بعدی کارگران.

۷- نقش این مبارزه در بالا بردن آگاهی و تشکل کارگران و شناساندن قدرت واقعی آنها به خود آنها.

پیروزیانید!



بقیه از صفحه ۳ پرسشنامه...

۶- جو عمومی مبارزاتی در سطح جامعه (اقتضای روطیقات مختلف):

۱- در مقطعی که این مبارزه جریان داشته جو عمومی مبارزاتی جامعه (اقتضای روطیقات مختلف) چگونه بوده است؟

۲- میزان تاثیر پذیری کارگران کارخانه از جو عمومی مبارزاتی جامعه.

۳- اثر متقابل حرکت اعتراضی این کارخانه در سایر کارخانجات و سطح جامعه.

۴- تعیین ترکیب کارگران از نظر ملیتها و تا شیر مبارزات خلقیهای کرد، ترکمن، عرب و... در کارخانه.

۷- در مبارزه چه بخشی از کارگران پیشرو بودند و چه بخشی عقب مانده؟

۱- در صد کارگران پیشرو، متوسط و نا آگاه در مبارزه و میزان همزونی کارگران پیشرو چقدر بود؟

۲- ویژگیهای کارگران پیشرو و عقب مانده در مبارزه چه بود؟ (قدیمی یا جدیدی، تعلق به قسمتهای خاص کارخانه، سطح سواد و دانش، تجربه مبارزاتی...)

۳- نقش کارگران زن در مبارزه چه بود؟ (دنباله - رو، فعال و پیشرو، بی تفاوت، مخالف و...)

آیا خواستههای مستقل از کارگران مرد را هم مطرح میکردند؟ و چگونه؟

۸- گروه بندیهای درون کارخانه و برخورد آنها ن به مبارزه کارگران (مثلا تفا دبین جناح - های مختلف در درون کارخانه، متاثر از جناح - بندی درون هیات حاکمه، بین کارفرما و انجمن اسلامی، بین کارفرما و سرپرست دولتی و طرفدار - ان مدیریت سابق و...)

برخورد کارگران نسبت به آنها؟ چگونگی استفاده از تفا دههای درونی کارفرما و عوا ملی توسط نیروهای آگاه.

۹- نقش تشکلهای زرد و وابسته نظیر انجمن - های اسلامی، شورای زرد کارخانه، نیروی ویژه و... در جلوگیری و به انحراف کشاندن مبارزه و ورود روبرو قرار دادن کارگران.

۱۰- زمینههای موجود اختلاف بین کارگران و سوء استفاده کارفرما از آن و برخورد عناصر آگاه با آن.

الف: زمینههای اختلاف.

۱- با سابقه و کم سابقه.

۲- کارگران زن و مرد.

۳- ویژگیهای قومی (مثلا کارگران کرد در مقابل دیگران قرار دادن و برعکس).

۴- اختلافات مذهبی و... ب- چگونگی سوء استفاده کارفرما و عوام از این اختلافات.

ج- نقش عناصر آگاه در از بین بردن این اختلافات و مقابله با سوء استفاده کارفرما.

۱۱- نقش "عناصر آگاه" در جریان مبارزه و تا ثرات آنها.

۱- عرصه فعالیتها و تبلیغی و ترویجی عناصر آگاه (سخنرانیهای افشاگرانه، بخش اعلامیه و

«ملاحظات کوتاه»

است. چطورا سری از زخم بر سینه‌ها شده‌اند -
تودو چطورا همان نفسی بر سخت سمارتسار
سخنراتی میکند که در اسرار آن جنبه‌ها هم
از حدت سرورن سیزند و حکومتی را که حقیقت رخصی
است و سینه‌ها را از دست داده است
فاطمه نه سکونده که سینه‌ها را سوزنی ما خواهد
یافت "آیا دوره معجزات و کرامات که از معجزات
تاریخی خورن و معجزات درخشان سیستم هم‌تکرار
تداست ما یاد!

عبدالرحمن... آخرین صحرای آزادی
است که جنم‌ها آن سناشی خود را احاطه کرده است
سازمانده است.

اگر مریض شدید، بروید زورخانه!

روزه‌ستند ۶ آبان نماز است عید غدیر
سلسلی از طویرین سخن بدگانه‌ها را آورنده!
سود سرجه مریخی کند گنجه‌ها جوان کرده‌اند،
به کوز و زورخانه درده مسودند در آنجا نیلوان
وررن سناشی، با کفتی "با علی شای او را
خواستار بود، همس کار را میکند و کودکی با کبار
بر میخورد و در سناشی دود و دزد گشته بگور
معجزه‌ها است و حالا هم یکدیگر دیکرا بهر حال فراموش
نکنید. دوا و دریا آن اگر نیست، جداگ کند
زورخانه که هست! دانشکا هم اگر بسته‌ده و
بزرگ ندادیم عیبی نداد و کوز و زورخانه که باز
است، دعا کردن هم که خرجی نداد و فقط "دل‌باک"
میخواهد.

از این بدیده‌ها نمجب نکنید، خرافات عمای
دست‌ها با قوت و ورزشی شما بدیده‌ها
است. سناشی بدیده‌ها هم‌تکراریم.
با این تاسیح دولتین بدیده

کاین هموز از سناشی سحر است

آیا امید دارید...

آیا امید دارید که اسرائیل آمریکایی معروف صادق قطب
- زاده که آبروشی هم‌تکرار شده‌ها ندارد
نواشته است ۴/۵ میلیون تومان برای راه
انداختن روزنامه‌ها - که نام "والعصر"
قرار است منتشر شود. بول جمع کند با آخره
لیبرالیا مورد تکی آمریکا با از دور حصار
شدن بحیثیت رومدی که از رومدی روندا این بار
ولو بطور موقت، قطب زاده را می‌حسند، آسمای
قطب زاده بر از تلاش بی‌شائبه "خود حقیقت
آزادی گروگان‌های سناشی و سناشی‌ها که در
هفته گذشته با تلویزیون زاین داشت مرا شیب
ارادت خود را به ارباب طغیانی آن سناشی
امیریا لیسیم آمریکا نشان داده است.
بفیه در صفحه ۲۱

سود و جز سرکوب و استعمار بسود سناشی
را سناشی سناشی برایشان به ارباب سناشی
حسین سود که زحمتگان شوروی سناشی سناشی
خود دفاع میکند و اگر هم دشمن سناشی سناشی
میکند است. فیلا مردم آنجا همه جیرا تا بسود
کرده بسود و سناشی ویران را بدشمن می‌سیرند
اما زحمتگان خرمشهر را سرک کرده بسود و سناشی
سناشی سناشی عراق شد، در حالیکه سناشی سناشی
سومان کالا در خرمشهر وجود داشت. نفسا و ت
اسنا لیسیم و زحمتگران سناشی سناشی سناشی
نظام سناشی سناشی سناشی (یک سناشی
سوسا لیسیم و سناشی سناشی سناشی سناشی
سناشی سناشی سناشی سناشی سناشی سناشی
کردند. سناشی شوروی دفاع از انقلاب سناشی
و سناشی زحمتگان و سناشی سناشی سناشی
دولت سناشی سناشی سناشی سناشی سناشی
با امیریا لیسیم سناشی سناشی سناشی سناشی
زحمتگان خرمشهر مورد تکی و سناشی سناشی
میکرفتند و سناشی سناشی سناشی سناشی سناشی
لیسیم و سناشی سناشی سناشی سناشی سناشی
زحمتگان در گنجه‌ها بسود، آن سناشی سناشی
اسنا لیسیم و سناشی سناشی سناشی سناشی
صحرای سرک می‌کوشند. و زحمت‌های سناشی
و زحمت‌های سناشی سناشی سناشی سناشی
که ما هست جنگ را بی سناشی سناشی سناشی
ضخه‌های "دفاع از سناشی دفاع طلبان سناشی
سناشی سناشی.

- ۱- نقل ارکان زندگی اسنا لیسیم
- ۲- زحمتگان سناشی سناشی سناشی سناشی سناشی
خانه‌های رژیم جمهوری اسلامی در اردبیل سناشی
خونین ۵۹ دلاوران سناشی سناشی سناشی سناشی
مقاومت کردند و سناشی سناشی سناشی سناشی
- ۳- شوروی لنین و سناشی سناشی سناشی سناشی
سوسا لیسیم بسود، جنگ سناشی سناشی سناشی
بناظر حمله سناشی سناشی سناشی سناشی سناشی
حالیکه شوروی خرمشهر و سناشی سناشی سناشی
سناشی سناشی سناشی سناشی سناشی سناشی
استحاله‌ها فتداست.

و سناشی سناشی سناشی سناشی سناشی سناشی

و با لایحه آزادی گروگان‌ها از یک سوسا سناشی
قافیه‌تک آن دسته از کمونیست‌های بسود که
همواره و بی‌خوشی در دوره جنگ ایران و عراق سخن
از سناشی رژیم جمهوری اسلامی سناشی سناشی
میکردند و هم‌اکنون سناشی سناشی سناشی سناشی
گودگان سناشی سناشی سناشی سناشی سناشی
امیریا لیسیم سناشی سناشی سناشی سناشی سناشی
را آشکارا و غیر آشکارا جنگ عا دلانده‌ها سناشی
دیگرسو، سناشی سناشی سناشی سناشی سناشی
پیگیر جنبش کمونیستی و از جمله سناشی سناشی
بر خور دیه و آتشی سناشی سناشی سناشی سناشی
و ما هیت آن بسود.

۵۹/۸/۶



بقیه از صفحه ۲۴ **جبهه تفاوتی...**
اسنا لیسیم و سناشی سناشی سناشی سناشی
سود. زحمتگان اسنا لیسیم و سناشی سناشی
سناشی سناشی سناشی سناشی سناشی سناشی
و کارخانه‌هایی که خودشان سناشی سناشی
دفاع میکنند، آن سناشی سناشی سناشی
کردند. هرگز سناشی سناشی سناشی سناشی
مقاومت سناشی سناشی سناشی سناشی سناشی
شورای کارخانه‌ها سناشی سناشی سناشی سناشی
بیرخاسته بسود، سناشی سناشی سناشی سناشی
زحمتگان اسنا لیسیم و سناشی سناشی سناشی
بزرگ و اصلی سناشی سناشی سناشی سناشی
تسلیم شدند. سناشی سناشی سناشی سناشی
یعنی سناشی سناشی سناشی سناشی سناشی
شوروی سوسا لیسیم (۲) بسود، ما سناشی سناشی
و سناشی سناشی سناشی سناشی سناشی سناشی
را سناشی سناشی.

و اما خبر مهم... زحمتگان سناشی سناشی
آنها دلاوران سناشی سناشی سناشی سناشی
سناشی سناشی سناشی سناشی سناشی سناشی
سودند آنها در یک جنگ عا دلانده، سناشی سناشی
زحمتگان اسنا لیسیم و سناشی سناشی سناشی
سناشی سناشی سناشی سناشی سناشی سناشی
که این جنگ عا دلانده سناشی سناشی سناشی
ایران و عراق است. یکی برای سد و سناشی
و دیگری برای توسعه سناشی و سناشی سناشی
امیریا لیسیم سناشی سناشی سناشی سناشی
جنا سناشی سناشی سناشی سناشی سناشی سناشی
زحمتگان خرمشهر، این جنگ را "ملی و آزادی -
سخن سناشی سناشی سناشی سناشی سناشی سناشی
رژیم سناشی سناشی سناشی سناشی سناشی سناشی
رژیم سناشی سناشی سناشی سناشی سناشی سناشی
آنها میخواستند در جهت سناشی سناشی سناشی
اسلامی سناشی سناشی سناشی سناشی سناشی
سناشی سناشی سناشی سناشی سناشی سناشی
تغییر سناشی سناشی سناشی سناشی سناشی سناشی
را جمهوری اسلامی در کارخانه‌ها و مزارع مکیده

بقیه از صفحه ۲ **سرمقاله...**

امیریا لیسیم و سناشی سناشی سناشی سناشی
سناشی سناشی سناشی سناشی سناشی سناشی
آزادی گروگان‌ها سناشی سناشی سناشی سناشی
برای توده‌ها و سناشی سناشی سناشی سناشی
شناخت دوشمن و دشمنان خود در اینجا سناشی
ما هیت و سناشی رژیم جمهوری اسلامی و سناشی
روشن شدن حقایق سناشی سناشی سناشی سناشی
کمونیستی و موضع گیری های آنها.
بعلاوه آزادی گروگان‌ها، افشاگر
رویز سناشی سناشی سناشی سناشی سناشی
وردفدا امیریا لیسیم سناشی سناشی سناشی
ها خوانده و سناشی سناشی سناشی سناشی
ما سناشی سناشی سناشی سناشی سناشی سناشی
ها به سناشی سناشی سناشی سناشی سناشی سناشی

بقیه از صفحه ۶ جشن ...

وحشیانه شروع بدتیراندازی بدسوی مردم بیگانه شهر میکنند، در این درگیریها و خیمه ها با ران کردن شهر حدود ۲۲ نفر از مردم سقز شهید میشوند و عده زیادی نیز زخمی میشوند. در این درگیری ۲ نفر از پیشمرگان نیز شهید میگردند (۲) در ضمن درگیری پیشمرگان به کمک مردم شروع به ناما می جاشای آن محله میکنند ویدریکی از جاشا را با اسم "عزیرجای" دستگیر میکنند و با خود میبرند. نیروهای سرکوبی وقت میبینند که دستبایی بد پیشمرگان امکان پذیر نیست بر شدت خیمه ها با ران نمودن شهید میافزایند و خانه های بیشتری را خراب میکنند. روز ۲۹/۷/۵۹ پیشمرگان از شهر خارج میشوند، نیروهای رژیم از طریق بلندگوها اعلام میکنند که مردم با بدتیراندازی ترک کنند چون احتمالاً شهر بمباران خواهد شد (سرکوبگران در کمال وقاحت اعلام میکنند که شهر را بمباران میکنیم) و حتی میبینند که مردم به بلندگوهای آنها وقتی نمیگذاردند شبیه نیروهای نازی آلمانی به محلات

(۱) قابل ذکر است که این حمله در کرات ها موردناشیدمان نبوده و حرکتی بوده که بدون در نظر گرفتن روحیه و شرایط ویژه مردم در شهر سقز صورت گرفته است، اما اینگونه حرکات را که بدون وحدت با روحیات و نیازهای توده های خلق کرد صورت میگیرد زیانبار بحال جنبش مقاومت میدانیم (۲) پیشمرکه شهید بعد از زخمی شدن خود را به خانه یکی از رگان دخترا میرساند و او را در خانه خود جای میدهد ولی جنازه را در رژیم رد خون را میگیرند و او را پیدا میکنند و صاحبخانه را نیز همانجا با جاجا اعدام میکنند.

توضیح و تصحیح

۱ - در مقاله تبلیغ ازدیدگاه مارکسیسم-لنینیسم (۲) در پیگار ۷۸، صفحه ۱۰۷ اشتباهی رخ داده است، گفتار "ما باید توجه داشته باشیم که چه بسا تجربیات توده ها که اکنون کهنه و بسی ارزنده و ... متعلق به بیچارگان است جمله استالین جزئیبا میگوید باید حذف شود. این گفتار متعلق به رفیق استالین نیست. ۲ - در مقاله سفر جاشا به نیویورک در پیگار ۷۸، صفحه ۲۲، تیر، سوم - اعلام آمدگی دو طرف برای پایان نمایش صحیح است، در جاب کلمه پایان افتاده است، که با بوزش آنرا تصحیح می کنیم. زیر همان تیر نیز با بدبصورت زیر تصحیح شود، اگر چه در شروع نمایش فقط یک طرف ... تمایل داشت.

تذکر

متاسفانه به علت کمبود جاتی نتوانستیم منتخبی از اخبار جنگ در شهرهای جنگ زده بیاوریم، از شما میخواهیم تا اخبار جنگ را در خبرنا به جنگ مطالعه کنید.

مختلف شهر ریخته و با بهر کجا ریستن درها و خانه ها و شیراندازی های مکرر هواشی مردم را مجبور میکنند که شهر را تخلیه کنند، فقط دوراه را برای مردم باقی گذاشته بودند با دگان بیابند و به سنگر نیروهای سرکوبی تبدیل شوند و با از طریق جاده سقز - سقز شهر ترک کنند و به دهات بروند. وقتی مردم اعتراض میکردند که توی این سرما ما کجا برویم دهاتی که شما میگوئیدش با ما ست نه نفت به آنها داده اید نه غذای آورده اید، و نه هیچگونه آذوقه ما بطور آنجا برویم؟ آنها میگفتند دستورات و شهر با یک بمباران خودتان از وجود خدا انقلاب با کسری شود بقیه در صفحه ۲۲

بقیه از صفحه ۲۰ ملاحظات ...

توده های نا آگاه می که در اثر اعتماد کور به عوام قریبان برای فطب زاده طوما رجوع کردند و بر اساسی نظرات را ه انداختند و او را "انقلابی کبیر" تصور کردند بتدریج حقیقت سخن و موضع کمونیستها را درک خواهند کرد. همچنین بر آنها معلوم خواهد شد که چرا آقاسای فطب زاده وقتی سرپرست "صداسیما" خود و امثالش بودا بقدر وقیحا نه به کمونیستها فحش میداد.

سوالی که در اینجا مطرح میشود این است که چه کسانی امثال فطب زاده را سرکوبی اداره امورشنا شده اند و آیا می توان آنرا از "گناه" آن "فطب زاده" میرا دانست؟

★ ★ ★

آیا میدانید که استاد "انقلاب" فرهنگی تاکنون - پس از ۶ ماه - کوچکترین کاری نتوانسته است انجام دهد و برخی از اعضای ستاد معتقدند که دانشگاهها باید بهمان ترتیب سابق زودتر باز شود چرا که در این سیستم کار دیگری امکان ندارد؟ البته رژیم به هدفتها ارتجاعی خود از این "انقلاب" رسید، همین که سنگردان تنگوارا موقتاً تعطیل کرد و مواضعی در راه آگاه شده ها بوجود آورد و خودش خیلی نعمت است!

★ ★ ★

- ۱ - ژ - ص ۱۰۰۰
 - ۲ - رفقای هوادار در زندان ۵۰۰۰ ریال
 - ۳ - رفیق هررا شده تا کسی با ۱۰۰۰۰ ریال
 - ۴ - رفیق معلم هوادار ۵۰۰۰ ریال
 - ۵ - رفیق دختر دانش آموز ۷۵۰۰ ریال
 - ۶ - رفیق کارگر نقاش هوادار ۱۰۰۰ ریال
 - ۷ - رفقای محلات تبریز ۲۲۵۰۰
 - ۸ - رفقای محلات تبریز ۳۰۰۰
- ۱ - رفیق A ۲۲۰۰ ریال
 - ۲ - رفیق بیژن ۱۰۰۰ ریال
 - ۳ - ن. ل. ۵۰۰۰ ریال
 - ۴ - م. معلم ۶۰۰۰ ریال
 - ۵ - غ (کارگر) ۵۰۰۰ ریال
 - ۶ - رفیق معلم A ۱۰۰۰ ریال
 - ۷ - رفقای هسته دانش آموزی کمک مالیتان رسید.
 - ۸ - رفیق دانش آموز ۱۵۰۰

کمکهای مالی دریافت شده

شهران:

الف	۴۲۹۰۰	م	۶۰۰۰
ب	۲۲۹۹۰	ط	۱۰۰۰۰
ج	۸۰۰۰	ز	۲۲۰۰
د	۸۲۰۰	ح	۲۹۰۰
ه	۲۱۰۰	ع	۶۲۲۰۰
و	۲۱۰۰	ن	۲۲۹۰
ز	۲۱۰۰	ق	۱۱۰۰۰
ح	۵۲۳۰۰	س	۶۷۰۰
ط	۵۲۰۰	ج	۲۳۰۰
ز	۱۲۳۰۰	د	۶۵۰۰
ح	۲۵۰۰	ه	۲۵۰۰
ط	۶۱۲۰	و	۱۲۴۰۰
ز	۲۱۹۹۰	ز	۹۴۰۰

۱ - م - ۴۰۰۰ ک - ز ۵۱۰۰
س - ز ۹۰۰۰ ه - ب ۲۹۰۰

- ۱ - م - ۵۰۰
- ۲ - و - ۳۰۰۰
- ۳ - آ - ۴۱۰۰
- ۴ - ن - ۴۰۰۰
- ۵ - د - ۵۰۰۰
- ۶ - م - ۱۶۰۰
- ۷ - ج - ۱۵۰۰
- ۸ - دبیرستان ت - ۴۰۰
- ۹ - دکاه آلف ۳۰۰۰

- ۱۰ - رفقای هوادار در خمین ۳۰۰۰ ریال
- ۱۱ - رفقای هوادار در سمنان ۶۰۰۰ ریال
- ۱۲ - رفقای هوادار در مشهد ۲۰۰۰۰ ریال
- ۱۳ - دانش آموزان هوادار رنظر آباد ۲۱۵۰۰ ریال
- ۱۴ - محلات شرقی برای کردستان ۳۰۰۰
- ۱۵ - رفقای کارگر شوش و بی سیم ۱۵۰۰
- ۱۶ - حسن کارگر کفاش مبارز ۵۰۰۰
- ۱۷ - رشکار گریسلو ۱۰۰۰ ریال
- ۱۸ - دانش آموزان هوادار در نوشهر ۵۰۰۰ ریال
- ۱۹ - هسته دانش آموزی شرق ۱۷۰۰
- ۲۰ - هسته دانش آموزی شرق ۷۰۰
- ۲۱ - رفیق کارگر ارمینی ۱۰۰۰ ریال کمک مالی ات رسید
- ۲۲ - د - م - ۱۹ هدیه ات رسید
- ۲۳ - مادرف هدیه ات رسید
- ۲۴ - خانواده بنفشه ۱ بهرما ده چار ۳۰۰۰ ریال

- ۲۵ - رفیق جواد (کارگر هوادار) کمک مالی ات رسید
- ۲۶ - ۲۵۰۰ و ۴۰۰۰ ریال (بدون کد)
- ۲۷ - س - مادر ۲۰۰۰ ریال
- ۲۸ - رفیق ۹/۵ ساله ما سعید ضمن ارسال ۶۴۰۰ ریال کمک نامه ای برای مافریستا ده است عین نامه سعید را میخوانید "من سعید، الف ۹/۵ ساله ۹/۵ کفایه این پول را میدهم به بیچاره رتا بیشتر بیچاره را بکنده تا مردم بخوانند و بیشتر آگاه شوند و من این پول را با روزانه و کار خود جمع کرده ام"

تبریز	رشت	مازندران
ب - ۴۱۱۱۰	ب - ۳۱۴۰	ب - ۱۰۷۰۰
ج - ۵۰۰۰	ب - ۳۱۴۰	ف - ۲۹۰۰۰
ح - ۲۱۱۱۰	س - ۷۰۰۰	ق - ۷۲۰۰
د - ۲۰۰۰	م - ۶۲۲۰۰	غ - ۵۱۰۰
ه - ۱۴۰۰۰	ف - ر آهنگر ۳۰۰۰	م - ۹۱۰۰
و - ۶۱۱۱۰		

- کرمان
- ۱ - رفقای هوادار ۱۷۰۰۰۰ ریال
 - ۲ - رفقای هوادار کمک دارویی شما رسید

- آغا جاری
- ۱ - رفیق رشکارگر ۱۰۰۰ ریال
 - ۲ - رفیق دانش آموز ۴۵۰۰

- شهرکرد
- ۱ - رفیق مزدک ۵۰۰۰ ریال
 - ۲ - رفیق اسپا رتا کوس ۲۰۰۰ ریال

- کرج
- ۱ - رفیق راننده برای پیشمرگان سازمان ۲۹۰۰۰ ریال
 - ۲ - رفیق مادر برای پیشمرگان سازمان ۱۰۰۰۰ ریال



۱۳
روز
نبرد
آبان

خونین دانش آموزان انقلابی با مزدوران رژیم شاه گرامی باد

بوسیله ارتش بوسیده خود میخواست آنرا خاموش سازد. آری ۱۳ آبان نقطه عطفی در جنبش انقلابی دانش آموزان و صفحۀ افتخار آفرینی در تاریخ جنبش انقلابی خلقهای ایران میباشد. قیام شکوهمند توده های خلق با ازبین بردن بساط سلطنت فریاد سختی به یاریگاه میریالیسم وارد ساخت. بر روی سیستم آسیب دیده ما مانا بود نشده سرمایه داری و وابسته رژیم سرکار آمدن به ترمیم سیستم سرمایه داری و وابسته همت گماشت و به این هدف نمیتوانست جامعه عمل ببیوشاند، مگر با فریب دادن و افزایش توهم توده ها و سرکوب و کشتار کارگران و زحمتکشان، خلقها، دانشجویان و دانش آموزان انقلابی.

دانش آموزان انقلابی

اکنون مبارزات انقلابی شما با کلیه دستاوردهای آماج حملات ددمنشانه ارتجاع حاکم قرار گرفته است. علاوه بر فشار روحفان رژیم جمهوری اسلامی، موج تهاجمات سازشکارانه و رویزیونیستی و ضد انقلابی نیز مبارزات شما را مورد هدف قرار داده است. حفظ و تعمیق سنتهای انقلابی جنبش دانش آموزی در دفاع از منافع کارگران و زحمتکشان و توده های ستمدیده خلق از جمله وظایفی است که در این مقطع بر دوش شما قرار دارد. ضمن مبارزه متشکل بسرای آزادی فعالیت سیاسی در مدارس با تمام اقوا از اخراج معلمین و دانش آموزان انقلابی جلوگیری نمایند. افشای هیئت حاکمه و نیروها و جریانات سازشکار و ضد انقلابی نظیر فدائیان (اکثریت) حزب خائنین توده و سه جبهه های از جمله وظایفی است. مبارزه جهت دفاع از دستاوردهای مبارزات انقلابی تان میباشد. جنگ ایران و عراق، ضرورت شناساندن ماهیت و سیاست بورژوازی حاکم بر دو کشور و اهداف آنها از اذمه این جنگ و افشای سیاستها و عملکردهای سوسیالیست و نیشنالیست و وظایف انقلابی رفقای دانش آموزها در دو جبهه نامشود است. رفقای هوادار وظیفه دارند با الهام از رهنمودهای سازمان، اهداف ضد خلقی دور رژیم ارتجاعی ایران و عراق را از این جنگ افشای نمایند. این امر بویژه در مناطق جنگی و مناطقی که آواره شدگان از جنگ بدانجا کوچ کرده اند از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است.

در آستانه دومین سالگرد آبان، روز نبرد خونین دانش آموزان انقلابی با ارتش رژیم وابسته به امپریالیسم هاستیم. دوسال پیش جنبش دانش آموزان انقلابی مبتدا به بخشی از جنبش دمکراتیک - خدا میریالیستی توده های خلق به اوج خود رسید و دانش آموزان انقلابی خیا با نهایی تهران، بویژه اطراف دانشگاهها از خون سرخ خویش گلگون ساختند، خونی که پیروزی خلقهای ستمدیده ایران بر مزدوران امپریالیسم آمریکا را نوید میداد. به موازات رشد گسترش جنبش دمکراتیک - خدا میریالیستی توده های ستمدیده بر علیه رژیم وابسته به امپریالیسم، جنبش دانش آموزی نیز تحت تاثیر تشکلهای سیاسی - انقلابی جامعه و گرایشات ایدئولوژیک - سیاسی و طبقه های آنها، بطور فعال و تاحدی متشکل در راهبرنداختن رژیم وابسته شاه به حرکت درآمد. در روزهای قبل از قیام، دانش آموزان مبارزان انقلابی به همراه کارگران و زحمتکشان و دانشجویان انقلابی، شهرهای ایران را از غریب فزاید های انقلابی، آکنده ساختند و بودند. رشد جنبش انقلابی توده های زحمتکش، هر چه بیشتر موجب رشد و تعمیق مبارزات دانش آموزان انقلابی گردید. تا این - که روز ۱۳ آبان ۵۷ فرارسید. در این روز هزاران دانش آموز و دانشجویان انقلابی، با تظاهرات و شعارها و شعارهای انقلابی خود، در حوالی دانشگاه تهران دستگاه بوسیده رژیم شاه را به لرزه درآوردند. دهها تن از دانش آموزان دانشجویان انقلابی در این تظاهرات وسیع توسط مزدوران شاه بخون خویش در غلطیدند. ۱۳ آبان ۵۷ روز تحقیر بساط سرکوب رژیم شاه توسط دانش آموزان انقلابی بود. رژیم شاه برای سرکوب جنبش انقلابی توده ها و جلوگیری از گسترش آن، در شهرهای مختلف از جمله در تهران حکومت نظامی برقرار کرده بود. دانش آموزان انقلابی بدون وحشت از کشتاری که رژیم مردم قهرمان تهران و شهرهای دیگر بر آنها نداشتند بود. در روز ۱۳ آبان با تظاهرات انقلابی و جانبازیهای قهرمانانه خود نشان دادند که هیچ نیروی رایاری مانع از شعله ور شدن آتش خشم انقلابی توده ها نیست، آتشی که رژیم شاه

بقیه رست ۱۸ پاسخ...

اینجا درج می کنیم: رفقا خسته نباشید!

من دریکی از کارخانه های جاده کرج کنار میکنم که نزدیک به تهران می باشد و خانه مان در جنوب غربی تهران میباشد. گلایه ای از رفقا در زمینه فعالیتتان دارم. گلایه ام دربارۀ مسئله جنگ میباشد. همۀ ما نظور که میدا نیم از معدود گروه یا سازمانهایی که جنگ را تحریم کرده اند و مرز بندی دقیق با دور زیم ضد خلقی کرده اند سازمان میباشد...

رفقا راه طولانی در پیش داریم، نباید بپریم با بدتلاش کنیم، با پیدا فشاء کنیم، با بدتلاش بنویسیم، با پیدا علامیه بخش کنیم و خلاصه اینکه با بدفعال باشیم، رفقای دد (دانشجویان و دانش آموزان پیکار) با شما هستیم ما کارگران. کمک کاری میشود، چندان فعال نیستیم چرا؟ چرا مواضع طبقه کارگر در مقابل جنگ در بین ما آورده نمیشود، رفقا ما منتظریم که شما با دستتان بر بیاید.

صبح که بسوی کارخانه سرا زیر می شویم در کوچ و خیا با در پشت در خانه مان انتظار اعلامیه - تان را میکشیم، ولی متاسفانه نیست و اگر هم هست، اندک است.

رفقای مبارز روز رزمنده کمونیست هسوادار سازمان!

با بدجنسیم رفقا، با بد دست در دست هم بدون تزلزل با روح جنگنده و فعال با گامهای سریع پرچم حقانیت نظراتمان را بر افرازیم. ما و چراغ راهنمایمان با ایده ها ما هم، بسا بر نامه، با تقسیم کار در مراحل، به بخش اعلامیه به نوشتن شعار بر روی دیوارها، اتوبوس و... و خلاصه به افشای ماهیت جنگ بیرد رژیم، زیر سر سرمایه داران و هواداران آنها (اکثریت فدائیان و...) در کارخانه تاجات دست در دست هم داده اند و در جابیدن و گول زدن شما زحمتکشان آنها با زورشان و اکثریت (فدائیان) با علشان ما را می چایند. آری با یاری خائنین افشاء و طردن ما نیم، سرمایه دارها، با سرمایه شان، حزب توده و اکثریت (فدائیان) و دیگر خائنین زیر چتر طبقه کارگر به گول زدن کارگران مشغولند و چه ما دقا نه زحمتکشان به دام آنها می افتند. با بدکار کنیم و افشاء نمائیم، و این کم - کاری بخصوص از طرف "د" و "سا" بر رفقا با یید جبران شود و تکرار آن قابل قبول نمی باشد و در خدمت سرمایه داران و رژیم جمهوری اسلامی می باشد.

بس برویم و فعال و پر شور با گامهای بلند بنام آرمان طبقه کارگر، برای زحمتکشان فعال شویم و ما هیت جنگ را افشاء کنیم.

رفیق کارگران! میدوایم کلیه رفقا و هواداران ما پر شور و تورا خواننده و در جهت رفع ضعفها و سستی ها اقدام کنند. دست تورا به گرومی می فشاریم!

یاد "حیدرخان عمو اوغلی" ستاره سرخ جنبش کمونیستی ایران را گرامی بداریم!



هفتم آبان سالروز دستگیری و (بنا صله چند روز) شهادت انقلابی کبیر و کمونیست برجسته، رفیق "حیدرخان عمو اوغلی" است. رفیق حیدرخان مغز متفکری در انقلاب مشروطیت و جنبش گیلان، یکی از بنیانگذاران حزب کمونیست ایران، انترنا سیونالیستی بیگپروزمنده‌ای برشور بود. حیدرخان در سال ۱۲۵۹ در ارومیه بدنیسا آمد و در کودکی به همراه خانواده‌اش جزو مهاجرینی بود که به روسیه رفتند. او از دانشگاه تفلیس مهندسی برق خود را گرفت و در همینجا بود که تحت تاثیر چرخش معده انقلابی روسیه، با ما رکیسم و جنبش سوسیال دمکراتیک روسیه آشنا شد. پیوسته کرد و سپس به ایران آمده و به فعالیت انقلابی و شرویح ایده‌های مشروطه‌خواهی می‌پرداخت. در جریان انقلاب مشروطیت نقش پر تحرک و خلاق حیدرخان، چشمگیر و همواره موجب دلگرمی انقلابیون بود. بطوریکه می‌گویند: "ستارخان" انقلابی و دمکرات بزرگ، و رازبان و فکر خویش میدانیست. در ایران حیدرخان به تشکیل اولین هسته‌های سوسیال دمکرات (اجتماعیون - عامیون) می‌پرداخت و دو دسته‌های مسلحی از انقلابیون (بنام جمعیت‌های مجاهدین) برای دفاع از انقلاب تشکیل می‌دهد که به عملیات متعدد و متهورانه‌ای دست می‌زنند، (از جمله انفجار بمب در خانه وزیر مخصوص محمد علی میرزا، قتل آتابک اعظم). همراه با رزدا انقلاب جمعیت‌های مجاهدین بسرعت در اکثر شهرهای ایران ایجاد می‌کردند. اما بعزت پراکنده‌گی وضع سوسیال دمکراتها، رهبری اغلب این جمعیتها بدست عناصر سازشکار و لیبرال می‌افتد که نتیجه آن می‌تواند در مقابل آنها چام میریالیسم و تراجع داخلی مقابلهت کنند، تنها جمعیت مجاهدین تبریز تحت رهبری حیدرخان و انقلابیون چون "علی مسیو"، مقاومت قهرمانانه‌ای را بر علیه امپریالیسم روس (تزاری) و نیروهای مترجع داخلی، بنمایش می‌گذارند.

با شلیک توپهای انقلاب کبیرا کتبر، پیروزی طبقه کارگر در روسیه و برقراری حکومت سوسیالیستی شوراهای، روحی تازه در کارکالیست جنبش سوسیال دمکراتیک ایران دمیده شد که نتیجه‌اش ایجاد حزب کمونیست ایران در سال ۱۲۹۹ بود.

تحکیم و حفظ وحدت صفوف خلق گام بر میداشت به تبعیت از تزلزلات طبقاتی خویش چنان سیاستی را دنبال کرد که سرانجام دستور بگلوله بستن محل کمیته انقلاب (ملاسرا) را داد که در جریان آن حیدرخان دستگیر و بعد از چند روز شهادت میرسد.

با شهادت حیدرخان، گرچه ضربه سنگینی بر پیگرد جنبش انقلابی و کمونیستی ایران وارد می‌شود، اما ما درسی بس عظیم نیز بدست می‌دهد که همانا ضرورت وجود ستاد واحد و رزمنده طبقه کارگر در راس مبارزات انقلابی خلق است. تنها این چنین رهبری است که میتواند دور از هر گونه تنگ نظری و محدودنگری خرده بورژوازی انقلاب دمکراتیک و ضد امپریالیستی خلقهای ایران را به پیروزی برساند.

رفیق حیدرخان عمو اوغلی بدون شک یکی از بزرگترین چهره‌های انقلابی و کمونیست ایران و کشورهای تحت سلطه است. سرار عمر کوتاه او آکنده از شادمانی، فداکاریها و در واقع تجسم تاریخ انقلاب است. بدرستی که تاریخ ۷۰ ساله جنبش کمونیستی میهنمان ستاره‌های تابناکی چون حیدرخان را کمتر بر تارک خویش دیده‌است. رفیق، انترنا سیونالیستی بیگپروزمنده، برشور بود که وفادار به آرمان سرخ پرولتاریا، شب و روز می‌جنگید و در عرصه‌های مختلف مسارزه چنان نبوغ و خلاقیتی از خود نشان داد که جنبش بین المللی کمونیستی، بزودی او را بعنوان فرزند راستین و سازشنا پذیر طبقه کارگر شناخت و سخنانش در میتینگ بین المللی کارگران بطور گرامی و بهترین گواها این امر است:

"رفقا! ما فرزندان خلقیم و برای احقاق حق خلق مبارزه می‌کنیم. سر ما بدهد! آن دشمن ما هستند. ما از هر گونه سازش با این ستگران امتناع می‌ورزیم. اینها خفته کننده جنبشها را می‌بخش و مکنده خون مردم زحمتکش هستند. در مبارزه با این ستگران برای ما با مرگ و یا پیروزی است! راه برگشت و عقب نشینی برای ما موجود نیست! ما به پیروزی خود اعتقاد داریم و ما مطمئن هستیم!"

با درخش گرامی و آرمان کبیرش
روشنگر را همان باد!

اتحاد دو همکار حزب کمونیست و دلاوران جنگل و تشکیل دولت انقلابی در گیلان موجب شعله ور شدن مشعل انقلاب در ایران می‌گردد و متافع امپریالیسم انگلیس و مترجعین داخلی را سخت بمخاطره می‌اندازد. اما ادا مه‌سیاستهای نا درست جناح "چپ" حزب (مانند حمله "احسان الله" - خان "بتهران" که بدون تصمیم "کمیته انقلاب" انجام گرفته بود) از یک طرف و تزلزلات میراز - کوچک خان که دمکراتی مذهبی با پایگاه طبقاتی خرده بورژوازی بود، از طرف دیگر، موجب برهم خوردن اتحاد دولت انقلابی و نهایتا شکست جنبش گردید. کوچک خان که رهبر جنبش کمونیستی او را بوخت انداخته بود، بجای استقبال از نقش اصولی حیدرخان که در جهت

نقش رفیق حیدرخان چه در تشکیل کنگره اول حزب در سال ۱۲۹۹ و بر خورد با نظرات چپ - روانه مطروحه در آن از سوی رفیق سلطانزاده و چه در تشکیل کنگرانس با کوردر سال ۱۳۰۰ که در آن حیدرخان را به دبیر اولی حزب برگزیدند و بویژه نقش او در تصویب برنامه حزب توسط کمیته مرکزی ای که وی در آن قرار داشت و تصحیح تحلیل چپ روانه حزب از جا معایران که به اتحاد کمونیستها با نیروهای دمکرات و جنبش جنگل به رهبری میرزا کوچک خان لطمه وارد می‌آورد، نقشی است تاریخی که جنبش انقلابی و کمونیستی ایران با ایده‌موارزه‌آنان با افتخار و تجلیل یاد کند.

بقیه از صفحه ۲۱ جشن...
عده‌ای از مردم که از شهر خارج شده بودند شب در مساجد و دوروبر سقز گذرانده بودند. وعده‌ای دیگر از مردم را بطرف پا دگان بردند که بیرون کردن مردم با زور از شهر تا ساعت ۵/۵ ادا شد. در این ساعت در پا دگان سقز جاش خود فروخته و فرماندار سقز مسعود طلوعی بسراری مردم سخنرانی می‌کنند و در کمال بیشرمی بسه سیاق تمام می‌سرکوبگران می‌گوید: این که چیزی نیست این فقط دهن شیرینی بوده منتظر عروسی‌اش هم باشد و طبق معمول گریزی نیز به صحرای کر بلا می‌زنند و نیروهای انقلابی و مبارز

را مورد حمله قرار داده و با آمریکا بی‌خوابند آنها ما هیت کشیف خود را بیشتر نمایان می‌سازد و به این ترتیب تا ترما هرا نه رژیم بسراری بمباران سقز تمام شد مردم با قلبی آکنده از خشم نسبت به سرکوبگران را می‌خانه‌های ویران شده از خمباره‌های آمریکا می‌خودند. آنچه مسلم است اینست که رژیم گرچه با اینکار می‌خواهد نشان دهد که تجارب ضد انقلابی میهنیستها را خوب یاد گرفته است ولی اینها هیچکدام برای رژیم کار ساز نخواهد بود و به ضد خودش بدل خواهد شد و نهادهای خلق کرد و روز بروز ما هیت پلیس رژیم را با زمین شناسند و به مبارزه قاطعتر با آن بر می‌خیزند.

سالروز گرفتن سفارت : آزادی گروگانها؟!

۱۲ آبان سالروز گرفتن جاسوسها - آمریکا است و ناید مصادف با آزادی اس جاسوسها نیز باشد ما در گذشته در مورد اهدافی که جناح خرده بورژوازی مرفه سستی از این گروگانگیری داشته (منحرف کردن مبارزه طبقاتی توده ها، سوار شدن بر توده ها برای استعمار زحمتکشان و مادیکی بیشتر برای سرکوب آنها و انقلابیون، مبارزه ضد امپریالیستی را تنها در حد شعار و دستام قبول دانستن و بدین ترتیب حفظ سرمایه داری وابسته زکند میسازد زحمتکشان و نیز قدرت یافتن بیشتر در حکومت و تضعیف جناح رفییب و...) سخن گفته ایم، ایک میگوئیم نشان دهم که چگونه هیئت حاکمه در ارتباط با مسئله جنگ ایران و عراق و نیز انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در مورد آزادی گروگانهاست، تا وحدت خود را با امپریالیسم آمریکا افزایش داده و تفا د خود را با آمریکا بر سر مسئله گروگانها بسود آمریکا حل نماید. طبیعی است علیرغم وحدت امپریالیسم آمریکا و همه جناحهای رژیم در مقابل انقلاب، تضادها و نیرمیان هیئت حاکمه ایران و آمریکا وجود دارد. بخصوص تضاد امپریالیسم آمریکا و جناح خرده بورژوازی مرفه و بورژوازی سنتی بر سر گونگی با زبانی سیستم سرمایه داری وابسته واضح بوده است. اما طبیعی است وحدت امپریالیسم و رژیم ایران وجه اصلی مناسبات آنها تشکیل میداده است.

جنگ ایران و عراق بنوع خود جناح ارتش و لیبرالها را تقویت کرد. لیبرالها که برانتر نخست وزیر ری رجا ئی، قدرت اصلی را در حکومت به جناح بورژوازی حزب جمهوری اسلامی سپرده بودند، کوشیدند تا از جنگ برای قدرت گیری بیشتر خود استفاده کنند. علاوه بر آن نیا رژیم به سلاحها و وسائل یدکی نظامی و همبظورت نیاز به مراد و ات گسترده اقتصادی عامل بسیار مهمی بود که جمهوری اسلامی را بسوی عسادی کردن روابط با امپریالیسم میکشاند. در حقیقت جنگ در این میان بعنوان عاملی نه در جهت سرنگونی رژیم ایران توسط امپریالیسم و بقول رویونیستها و کمونیستها ی نایکی چون راه کار رگورزمندگان برای حادث کردن "دشمنی امپریالیسم و رژیم" بلکه در جهت دوستی و نزدیکی این دو عمل میکند، سخنان رجا ئی در

یادداشتهای سیاسی هفتشنبه

سازمان "دول متحد و سخنان مقابل کارتر و برزیلنگی که در هفته پیش تفسیر کردیم، نحوی این گونش دوطرفه برای نزدیکی راستان میدهد.

از طرف دیگر بنظر میرسد، لیبرالها و جناح بورژوازی حزب جمهوری کارتر را بریکسان ترجیح میدهند و نظریه تبلیغاتی شان که هر دو را ناسیونگدان امپریالیسم میخوانند، کوشش برای آزادی گروگانها در این مطلع کذب بود کارتر تمام نبود، دستان را روم کند.

کوشش برای آزادی گروگانها بخاطر گرفتن سلاحهای نظامی از امپریالیسم و نیز تقویت کارتر در انتخابات ماهیت "مبارزه ضد امپریالیستی" رژیم را هر چه عربا تر نشان میدهد رژیم که در اوج تبلیغات برای فریب توده ها، آزادی گروگانها را کفر میداند است، اینک سعی برده قول آزادی گروگانها را میدهد لیبرالها که همیشه خواهان "روابط بسیار حسنه" با امپریالیسم بوده اند، از قول نویسنده کتبشان در حاشیه ساست نشسته سوم آبان میگویند "حلال مسئله گروگانها قبل از انتخابات بود ایران است، چرا که میتوان از آمریکا امتیاز گرفت!" (منظور از امتیاز قبول فروش سلاحهای امپریالیستی از آمریکا است!) لیبرالها با وقاحت تمام میگویند، "میونیستها خواهان عدم آزادی گروگانها هستند"، اما علاوه بر لیبرالها، جناح بورژوازی حزب جمهوری اسلامی نیز خواهان آزادی گروگانهاست، گذشته از سخنان رجا ئی که قول آزادی گروگانها را داده بود، رفسنجانی نیز پس از ملاقات با امام "تلقی قول آزادی گروگانها را داد: وی در بیان در مورد آزادی ۵۲ جاسوس آمریکا ئی که خبرگزاری ها این روزها مطرح میکنند، گفت: این مسئله مربوط به خود آمریکا است، اگر آمریکا حقوق حقما را رعایت کند و به خواسته های قانونی ما احترام بگذارد ممکن است گروگانها آزاد شوند و در غیر اینصورت گروگانها تنها بهمین صورت خواهند ماند" (جمهوری اسلامی، ۵ آبان). اما هر چند، دو جناح بورژوازی (لیبرال و رهبری حزب جمهوری) موافق آزادی گروگانها هستند اما جناح خرده بورژوازی حزب بنظر میرسد، موافق آزادی گروگانها نیست.

بعنوان مثال اظهارات خوبیها با

بقیه در صفحه ۸

چه تفاوتی است میان استالینگراد و خرمشهر

- * - در همان هفته اول جنگ ایران و عراق، ۹۹۰ مردم خرمشهر، شهرا ترک کردند.
- * - مدتها هزارتن کالا به ارض میلوا و دهها تومان در خرمشهر دست عارتگران بعث عراق افتاد.
- * - یکماه از جنگ گذشته است که گفته میشود، عراقی خرمشهر را تسخیر کرده است.
- * - اکثر مردم آبادان، سوسنگرد، بستان، قصر - سرین، و بسیاری از مردم ذوقول و آواز منطقه را ترک کرده اند.
- * - آباء الله خمینی، بی صدر، رجا ئی، خامنه ای، سینی، منطری، هاشمی رفسنجانی و همدرهمران جمهوری اسلامی از مردم خوزستان خواسته بودند، شهرهای خود را تخلیه نکنند، رژیم بسته توده های ستمدیده ای که منطقه های جنگ زده را ترک میکردنوشن می نمود و آنها را مورد آزار قرار میداد، اما توده ها با ترک اسب مناسبتی و عدم ترک در اسب جنگ، نفرت و سزارستان را از اسب جنگ نشان دادند.

و اما استالینگراد

بزرگترین ماشین جنگی برتر آن زمان، یعنی ارتش فاشیست نازی به استالینگراد حمله ورند.

هزاران سربا رباری و مدتها تا تک استالینگراد - گراد شهرمان را در محاصره خود در آورد. ارتش عراقی در مقابل ارتش عظیم هیتلری، خون بنده در مقابل فیل است. اما استالینگراد خرمشهر بیود!

رهبر کبیر زحمتکشان، استالین در ۱ اکتبر ۱۹۴۲ به فرمانده حبیبه استالینگراد فرمان داد: "از شما میخواهم که کلیه اقدامات لازم را برای دفاع از استالینگراد بعمل آورید. استالینگراد تنها ید به دشمن تسلیم شوؤ (۱) و استالینگراد به تنها تسلیم نشد، بلکه کمردشمن را شکست.

استالینگراد ما هیا در محاصره سربسرد، تنگی، گرسنگی، سرما، کمبود دارو و مهمات نتوانست محاصره این شهرویرمان را بشکند. شهر مرتب زیر آتش توپخانه قرار داشت. اما مردم دلورا استالینگراد شهر حماسه ای خود را ترک نکردند. (۲) چرا؟ چه تفاوتی میان استالینگراد و خرمشهر وجود داشته است؟

بقیه در صفحه ۲۵

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست